

پاکسازی دستگاه دولتی - ضرورت حیاتی روز

حیاتی روز

وزارتخانه‌های ما باز وزارتخانه‌های طاقتی است و ما نتوانستیم آنها را اصلاح کنیم. باید با سرعت وقت اصلاح شود. این سخنان امام، دیگر بار بر این دستخورد روز بعد از پیروزی انقلاب، یعنی پاکسازی دستگاه دولت تودری را می‌بخشد که روز ۲۳ بهمن ۱۳۵۸ برای انقلاب پیروز شد ایران لازم بود. غروب روز بیست و دوم بهمن، وقتی انقلاب «سر» رژیم منقر پهلوی را به اعناق زباله‌دان تاریخ برتاب کرد، میدانست که «تن» آن باقی است. هر چند شکافهایی در اینجا و آنجا، دمل‌هایی را بر این «تن» گنبدیده ترکانده بود و کسانی از نزدیکترین یاران رژیم گریخته بودند اما این «تن» که همان دستگاه دولت پمعی است و آن باشد، در کلیت خود، در سیستم خود، در بافت خود، سر و نشان طاقت را داشت.

دستگاه دولت باید بخدمت انقلاب درمی‌آمد. برای اینکه، برای تبدیل دستگاه سلطه سرمایه‌داران وابسته و زمینداران بزرگ بر توده‌ها، به دستگاه خدمتگزار انقلاب، لازم بود عناصر بی‌سازاری که کارگزار، عامل، خیرچین و حامی و تکیه‌گاه رژیم سابق بودند، سرعت جراحی شوند و درخور خیانت خود، مجازات گردند. بعد از آن لازم می‌آمد که بر بنیاد این چارچوب سالم، سیستمی نوین شکل داده شود، که از روابط جدید مایه بگیرد. برای اینکه همه چیز آماده بود، انرژی انقلابی توده‌ها، رهبری قاطع انقلاب و لیست‌های ساواک، که کار را آسان میکرد.

نوسازی و پاکسازی دستگاه دولتی تنها در بخش‌های انتظامی، ارتش، شهربانی و ژاندارمری لازم بود، بلکه در بخش‌های اداری هم، که دستگاه عظیم وزارتخانه‌ها، سازمانها و اداره‌های دولتی را شامل میشود، ضرورت درجه‌اول داشت زیرا، این دستگاه‌ها بگری فرامین انقلابی هستند و توده مردم از طریق این دستگاه‌ها با سیاست رژیم و نحوه اعمال آن برخورد می‌کنند. زیرا:

۱- از گرفتن يك رونوشت شناسنامه تا جواز ساختمان، سند مالکیت، گواهینامه رانندگی، جواز ازدواج و طلاق، جواز کف و دفن، جواز کسب و تجارت، جواز چاپ و نشر، جواز گاز و غیره، گذرنامه و صدها اجازه‌ی دیگر در امور اقتصادی و تجاری، کشاورزی، کارگری، شهری و روستایی و غیره همه و همه... گذشته از اینها تمامی امکانات برای انجام هر کاری در اختیار این قدرت عظیم اداری بود... تمامی فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی و غیره در اختیار اهرم اداری قدرت رژیم یا تشاه‌های وابسته به آن بود» (روابط عمومی هیات پاکسازی و سالمسازی ادارات - اطلاعات ۱۳۵۸، ص ۲۴)

چنین دستگاه عظیمی، در صورت عدم نوسازی و پاکسازی می‌تواند هر فرمان انقلابی را ترمز کند، عناصر باقیمانده در آن می‌توانند در هر برخوردی با کسانی ناراضی سازند، و متاسفانه چنین شده

لیبرال‌ها، که حتی پیش از آنکه تودری سرور، بدنه را در اختیار گرفته بودند، با تکیه به این دستگاه عظیم، انقلاب را ترمز کردند. سیستم که تغییر نکرد، هیچ حسنی از پاکسازی ساواک یا هم جلوگیری شد. نخست‌وزیر دولت وقت رسماً اعلام کرد که اخراج ساواکرها اغتشاش بوجدی آورد و آنها را شامل عفو دانست.

دولت وقت سقوط کرد. اکنون دیگر روشن شده بود که دستگاه دولت به شکل سابق، ۹ ماه تمام انقلاب را ترمز کرده است. از اینرو دومین بند از فرمان امام به شورای انقلاب این بود: «پاکسازی مؤسسات و وزارتخانه‌ها از عناصر فرسوده و وابسته برای ایجاد نظام اداری متناسب با انقلاب» (با یادداشت ۱۷ آبان ۵۸) بدنبال این فرمان، هیئت‌های پاکسازی تشکیل شدند. اما مسئله حل نشد. سیستم در اختیار لیبرال‌ها بود و «آنگونه که انتظار میرفت از طرف مسئولین امور به این امر اساسی توجه چندانی نشد، بجز در معدودی ادارات، سازمان‌های دولتی، که آنگاه پست‌سازین مختلف از سوی روشنفکران و رجال لیبرال صفت گرازا مورد انتقاد قرار گرفت» (فصلنامه سمینار اتحادیه انجمن‌های اسلامی کارکنان دولت - اطلاعات ۱۳۵۹، ص ۱۳)

هرچا هم که هیئت‌های پاکسازی، علیرغم مشکلات، عناصر رژیم گذشته را شناسایی میکردند، با چنین مشکلاتی روبرو میشدند: «وضع پاکسازی در ارشاد ملی صورت گفتنی و تقریبی انجام میگردد و مدتی است که کمیسیون پاکسازی آنجا تعطیل و افراش به گشت و گذار مشغولند. حتی احکامی که قبلاً صادر شده، اکنون در کشوری نیز آقای وزیر خالص میخورد و منتظر عوافر مرور زمان است و کسانی که در ادارات دیگر پاکسازی شده‌اند، در ارشاد ملی بکار گرفته میشوند» (روابط عمومی هیئت پاکسازی و سالمسازی ادارات - جمهوری اسلامی ۱۳۵۹، ص ۲۶)

چنین روشی دستگاه دولت را تقریباً دست‌نخورده گذاشت و باعث از آن شد که بخدمت انقلاب درآید. بخاطر همین وضع بود که امام خمینی، در پیام روزی خوشی، بازم بر پاکسازی ادارات اسرار ورزیدند: «وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و ملی باید از اشخاص خائن، مفسد و و انگل‌ها تصفیه کامل شوند و کار به کارداران وطنخواه امین سپرده شود» (جمهوری اسلامی - ۱۳۵۹، ص ۱۸)

در صفحه ۷

چرخش لویسی که در سازمان چریک‌های فدایی خاق ایران و بخش بزرگی از حزب دمکرات کردستان ایران در حال تکوین است، تنها نظر آمیخته به خشونت و هواداران دوراندیش انقلاب را جلب نکرده است. دشمنان و رنگارنگ انقلاب نیز با دلواپسی و خشم سوزانی این روند رو به صحت و سلامت را تعقیب می‌کنند. این چرخش، که با تجزیه‌ها و انشعاب‌های ناگزیر همراه است، می‌تواند زمینه ترکیب جدیدی در سطحی عالی‌تر باشد. می‌تواند وحدت نویسی را، که خود محور و مکان يك جبهه متحد خلق است، پایه‌ریزی کند. روند نوین، که منحصر به سازمان چریک‌ها و حزب دمکرات کردستان نیست، در واقع یکی از پیروزی‌های انقلاب است. حرکتی است در جهت رفع سوءظن‌های خلق گذشته و خصوصیت‌های تسمی و فرعی. کلام تفاهمی است بین نیرو-های چپ و هواداران اسلام انقلابی. بهین دلیل دشمن دندان‌کروچه می‌زود، آب را گل‌آلود می‌کند و با انواع شکردها و شمبدها به این روند سخت و نظام فربه می‌زند. از رادیوی باصطلاح آزاد ایران، که آرزوی هر چرک و خون اویسی و بالیزبان میرغضب را به تخیلات خام پختیار خائن گره می‌زند، تا بخش‌های حاکم در عراق، که عملاً با آمریکا همکاری میکنند، از گروه‌ها و محفل‌های چپ‌پرو و چپ‌نما نظیر «بیکاره» و «راه کارگر» و «زمین‌دگان» تا آمریکایی‌های خالصی که در جلد مائوئیستی حزب‌باخترانی بقیه در صفحه ۷

چه کسانی از گرایش‌های سالم نیروهای سیاسی به وحشت افتاده‌اند؟

هم صدائی بارسانه‌های گروهی امپریالیستی در شان انقلاب ما نیست

اطلاعه فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان به کمک سهیل زردگان میان‌بشتا پید!

بدینوسیله از کلیه اعضاء و هواداران فرقه دمکرات آذربایجان سازمان حزب توده ایران در آذربایجان درخواست می‌شود که کلیه کسب‌وکار نقدی و جنسی خود، اعم از پتو، چراغ، چادر و دیگر وسایل را به دفتر فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان - تسریع تحویل دهند تا جهت ارسال به میانه اقدام گردد.

شوروی را به مردم بقبولاند. دوهای ضد شوروی در غرب رنگی دارد و در شرق رنگی دیگر. در فرانسه رنگی دارد و در ایران رنگی دیگر. میلتان ضد شوروی دروغ‌آلودی می‌سازند که باصطلاح بکنند.

موضوع اسلام در اتحاد شوروی، پس از انقلاب ایران، به یکی از موضوع‌های اصلی تبلیغات ضد شوروی تبدیل شده است. غذای اصلی را در مطبوعات تبلیغات امپریالیستی می‌زنند و کسانی آنرا در ایران سرفسرد آورد می‌چینند.

می‌توان با سند و مدرک ثابت کرد که توهان اصلی تبلیغات ضد شوروی در ایران، پکسالونیم پر از انقلاب، هم‌وجهه بدون استثنا از منابع امپریالیستی اخذ شده است. اینک شوروی‌ها پس از انقلاب اسلامی ایران از «انتباغ» آن دوهی پر دازی می‌کنند، پخوانند با شکردهای ماهرانه، دوهی ضد

دوره است. در دنیای امپریالیستی بیچیدن دوهی در زوروشی زبیا و فربه که با آن بتوان مردم ساده‌را، که به رموز سیاست آشنا نیستند، گول زد و افکار آنان را در محمترین مسائل اجتماعی و سیاسی بین‌المللی منحرف کرده بصورت يك حرفه، يك «هنر» در آمده است.

مباله نیست اگر بگویم که این «هنر» در قلمرو تبلیغات ضد شوروی، در غرب به اوج شکوفایی خود رسیده است. شبت و انفسال «هنرمندان» «هنرمندان» زبردستی به دنیای امپریالیسم تقدیم داشته است. انحصارات امپریالیستی، که بر مطبوعات و رسانه‌های گروهی تسلط دارند، به این «هنرمندان» ارج خاصی می‌نهند و آنان را در دریای طلا فرغ می‌کنند. وظیفه این راهزنان قلم است که با آشنایی کامل به خصوصیات محلی که در آن دوهی پر دازی می‌کنند، پخوانند با شکردهای ماهرانه، دوهی ضد

در مضار دوهی سخن بسیار گفته‌اند و ما در این باره هرچه بگوئیم تکرار گفته دیگران است. اما اگر بزرگان ما، که در روزگاری کهن، آنچه در مدلت دوهی سخن گفته‌اند، امروز زنده می‌بودند و می‌دیدند که ارواح خبیثه برای پیشبرد مقاصد شویشان از دوهی چه حرفه سیاسی خطرناکی ساخته‌اند، کلاشان در توهی این پدیده زشت هزار بار شدیدتر و متکرم‌کننده‌تر بوده زیرا امروز دوهی بی‌ش از آنچه یک پدیده مدهوم اخلاقی فردی باشد، به یک بلای بزرگ اجتماعی در سطح جهانی مبدل شده است.

دنیای امپریالیسم با امکانات گسترده اقتصادی و فنی خود، با برقراری سلطه انحصاری بر مطبوعات، رادیوها، تلویزیونها و شبکه‌های خبرگزاری، دوهی پر دازی را به یک از برنده‌ترین سلاح‌های خود برای اسارت مادی و معنوی خلق تبدیل

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده‌های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمت‌ها و جلوگیری از غارت سرمایه‌داران بزرگ، دلالان و محترکان است

قیمت‌ها به مرز خطرناکی رسیده است

قیمت روغن، داغ میکند...

بررسی خبرنگاران ما نشان میدهد:

از چندین پیش شوراها محلی تقسیم روغن را برعهده گرفته‌اند و با دادن کارت به هر خانواده ماهانه ۲ کیلو روغن می‌دهند. خانم گوهر مالکی، خانه‌دار در این باره می‌گوید: «کار شورا محلی خوب است که روغن را سهمیه‌بندی کرده‌اند، ولی دو کیلو روغن در ماه برای یک خانواده بر جمعیت کافی نیست. بنابراین باید از روغنهای نیایش ایرانی بازار آزاده که قیمتش دو برابر قیمت اصلی است، یا روغنهای خارجی استفاده کنیم، که بودجه ما کفاف خرید آنرا نمیدهد»

مغازه‌دارها هم که روغن سهمیه در اختیار آنها قرار میگیرد و آنها روغن را در اختیار مردم می‌گذارند که از شورا محلی کارت دارند، همین سال را تانیه میکنند. فروشنده يك لبنیاتی در خیابان کارگر به خبرنگار نامه «مردم» گفت:

«اما در ماه یکبار سهمیه روغن نیایشی بقیه در صفحه ۲

□ قیمت رسمی روغن نباتی نسبت به سال گذشته افزایش نیافته، اما این روغن در مغازه‌ها کمیاب و در بازار سیاه با ۷۲ درصد افزایش قیمت فراوان است!

□ انواع روغن خارجی در تهران فراوان است، اما فقط پولدارها قادر بخريد آن هستند

۶۵ ریال است. این نرخ نسبت به سال گذشته افزایش پیدا نکرده است، اما از آنجاکه میزان تولید کم شده است، روغن کیلویی ۶۵ ریال تنها بدست عده معدودی میرسد. البته تنها ملت‌گرانی‌گاشش تولید نیست. یکی از ملل عمده گران روغن اینست که سرمایه‌داران بزرگ مقادیر زیادی روغن نیایشی را احتکار میکنند و آنوقت روغن‌ها را به شیوه‌های مختلف در بازار سیاه بفروش میرسانند.

روغن نیایشی را هم به لیست کالاهای ضروری گران اضافه کنید. این مایحتاج بسیار در مصرف مردم، که بویژه مورد استفاده میلیون‌ها ایرانی زحمتکش است، نسبت به سال گذشته تا ۴۰ درصد افزایش قیمت پیدا کرده است. تازه فقط گران هم نیست، روغن کمیاب هم هست، البته برای زحمتکشان، انواع روغن‌گران قیمت برای پولدارها بسیار فراوان است. نرخ رسمی روغن نیایشی در سراسر ایران کیلویی



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۷۰
دوشنبه ۹ تیر ۱۳۵۹ - تک شماره ۱۵ ریال

در صفحات بعد

احزاب برادر به مناسبت شصتمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران، به حزب توده ایران شادباش می‌گویند

بمناسبت شصتمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران - آخرین قسمت پیکار حزب کمونیست ایران را ادامه میدهم

خطر تعطیل کارخانه وطن اصفهان را تهدید میکند

مسائل کارگری صفحه ۶
۲ صفحه کامل برای دهقانان

مازندران
□ شرایط نابسامان زندگی در قلب کوهستان

زمین، مسئله اصلی دهقانان مازندران

مناطق چماقداری و مالکیت بزرگ

جهاد سازندگی و مسائل دهقانان مازندران

با تجهیز کشاورزان به وسایل مدرن تولید، به تولید کشاورزی پیفزاید

در روستای «گردش»، کارخانجات جنبی ایجاد کنید!

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

بمناسبت شصتمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران (۶) پیکار حزب کمونیست ایران را ادامه می دهیم



دکتر تقی ارانی



عبدالمهدی کامبخش

را پشت سر گذارده، از مرحله جنبی به مراحل بعدی تکامل قانونمند خود رشد یافته است. حزب توده ایران، که وارث شایسته حزب کمونیست ایران و ادامه دهنده کار پرافتخار آنست، در شرایط نوین تاریخی دوش بدوش دیگر نیروهای مترقی و دمکراتیک کشور، در صفوف مقدم جنبش مقدس خلق علیه استبداد شاهی و استعمار امپریالیستی قدم برداشته، شهید داده و پیروزیهای پست آورده است.

رجل سیاسی و اجتماعی و دانشمند معاصر شوروی اولیانفسکی، در کتاب خود «مسائل معاصر آسیای آفریقا» (صفحه ۴۶) می نویسد:

پس از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر، عاریکیست - لنینیستها بر این عقیده بودند که جنبش کمونیستی در خاور میانه فقط با هسته پرولتری بوجود آید و این هسته در گسترش بازمی بیشتر جنبش کمونیستی نقش برجستهای بازی خواهد کرد. آنها تاکید میکردند که باید استقلال جنبش پرولتری را حفظ کرد و برضد آناتکه به جنبشهای غیرمارکسیستی بورژوا دمکراتیک «رنک» کمونیستی میزنند، با قاطعیت مبارزه کرد.

همه شصت سال تاریخ مبارزه کمونیستهای ایران صحت این عقیده را ثابت کرده است. جنبشی که با هسته پرولتری شصت سال پیش آغاز شد، با پرچی افراشته، امروز دوش بدوش رزمندگان راه صلح، استقلال، آزادی، دمکراسی، رفاه، ترقی و سوسیالیسم پیش میرود.

پایان

(شماره ۱۰ - ۱۱ - ۱۲) و غیره به چاپ رسیده است. در این رشته مقالات سعی شده است که بعضی مسائل علمی، ادبی، هنری، اجتماعی، فلسفی و سیاسی از دیدگاه مترقی و از نظر جهان بینی مارکسیستی تشریح شود. گرچه بعضی مطالب مندرجه در این مقالات باسطح دانش پیشرفته امروز تا اندازه ای وفق ندارد، معذالك باید گفت که هنوز هم نه فقط برای نوآموزان فارسی زبان مارکسیسم - لنینیسم، بلکه حتی برای مخالفین نیز یگانه منبع دست رس محسوب میشود.

مجله «دنیا» تنها اهمیت ایوتولوژیک و تبلیغاتی نداشت. «دنیا» ایرانی نمونه کار جمعی و ارگان همیتی بود که کار سازمانی، سیاسی و ایوتولوژیک حزب کمونیست ایران را در ایران مستقیماً رهبری میکردند. در نتیجه فعالیت ارانی و همزمانش، در سالهای ۱۳۱۲ - ۱۳۱۴ جنبش دانشجویی در کشور گسترش یافت، چندین اعتصاب بر دانشکده های تهران علیه محیط اختناق و ترور رضاخانی سازمان داده شد. در سال ۱۳۱۴ وزارت فرهنگ رضاخانی به قصد ممانعت از انتشار مجله «دنیا»، با یک بخشنامه، همه کارمندان دولت را از حق انتشار مجله محروم کرد. اما فعالیت مرکزی که ارانی و همزمانش در کشور بوجود آورده بودند، ادامه یافت. پلیس رضاخانی، که بر تلاش خود علیه جنبش دانشجویان افزوده بود، اوایل سال ۱۳۱۵ عده ای را دستگیر و زندانی کرد و بالاخره توانست ارانی و عده ای از یارانش را توقیف کند. لیکن آنها در زندان نیز به مبارزه خود ادامه دادند و با دیگر مبارزان زندانی به همکاری پرداختند. رضاخانی، که میخواست گروه «۵۳ نفر» را نیز مانند خیلی از گروه های سیاسی دیگر بدون محاکمه در زندان نگهدارد و بتدریج سر به نیست کند، زیر فشار افکار عمومی مجبور به تشکیل دادگاه شد. لیکن این دادگاه که آبانماه ۱۳۱۷ تشکیل شد، در حقیقت به دادگاهی علیه رژیم ترور و اختناق پهلوی مبدل گردید. دکتر ارانی در دفاعیه شش ساعته اش نه فقط داغ تنگ بر رژیم خود کلامه منقوش و مزدور خود به پهلوی زد، بلکه با صداقت و شهامت خود به دفاع از استقلال، آزادی، دمکراسی و ترقی، به دفاع از اندیشه های سوسیالیسم علمی برخاست. او «قانون سیاه» منع تبلیغات کمونیستی را بشدت محکوم کرد. صدای رسای او نه در محکمه، بلکه در تاریخ طنین انداز است که گفت:

«چطور میتوان عقایدی را قدغن کرد که ریشه علمی آن با آغاز جامعه بشر شروع شده، در جمیع شعب زندگی فردی و اجتماعی از روی اصول و پایه های کاملاً علمی و منطقی اظهار نظر می نماید؟»

ارانی جان خود را بر سر دفاع از عقاید عالی انسانی خود، بر سر بشرد راه بر اختناری که از جوانی پیش گرفته و پیگیری به پیش می برد، گذاشت. اما راه او با شهادت او قطع شدنی نبود. ارانی نماینده برجسته جنبشی بود که از درون خلق و تاریخ برخاست بود، از زحمتکشترین طبقات و اقشار جامعه و آمال و آرزوهای مقدس آنها الهام گرفته بود، با انتالین ترین نظریه علمی معاصر مجهز شده بود.

جنبش کمونیستی و کارگری ایران، جنبشی است عیناً همین دوستانه، که همچون بختی اصلی و ناگسستی از جنبش همگانی جهانی بشری ملی و ضد - امپریالیستی مردم ایران تکوین یافته، شکل گرفته، و پیشرفت کرده است. جنبش کمونیستی و کارگری ایران جنبشی است عیناً انترناسیونالیستی، که در پیوند با جنبش کمونیستی و کارگری جهانی مراحل مهم تاریخی

برجستگی شخصیت ارانی (۱۲۸۱ - ۱۳۱۸) در این بود که در شرایط تقویت فاشیسم، دست پرورده امپریالیسم در مقیاس جهانی (در ایتالیا، اسپانیا و آلمان) و خود کامگی رضاخانی قلدرد فاشیسم در ایران، توانست مرکز فعالیت سازمانی و ایوتولوژیکی در کشور بر پا کند، که در واقع حلقه واسطه مهمی در پیوند تاریخی آن روند پیشروی اجتماعی - سیاسی شد، که امروز پس از شصت سال از تشکیل حزب کمونیست ایران، حقانیت خود را با پیروزی انتالاب بزرگ ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی ایران به اثبات رسانیده است.

در باره دکتر ارانی، فعالیت او و همزمانش چون کامبخش، سیامک و دیگران کم و بیش سخن رفته است. چهار ماه پیش، ۱۴ بهمن سال گذشته (۱۳۵۸) همه نیروهای انتالابی و خلقی ایران به همراه نیروهای مترقی و دمکراتیک جهان، چهلمین سالگشت زحمتکش ایران را به نحوی شایسته برگزار کرد. شهادت این دانشمند بزرگ مارکسیستی و رهبر زحمتکش ایران را به نحوی شایسته برگزار کردند (رجوع کنید به روزنامه «مردم» و مجله «دنیا»). همه تلاشهای رژیم خون آشام پهلوی در داخل و خارج کشور نتوانسته بود فقط در حدود ۲ سال حزب کمونیست ایران را، آنچه تنها داشتن ارگان مرکزی خود، بازدارد. فعالیت سازمانی و ایوتولوژیک حزب کمونیست ایران هم قطع نگردیده بود. کفای است متذکر شویم که در همین دوره ترجمه های فارسی آثار مارکسیستی - لنینیستی نظیر «مسزد»، «قیمت، منفعت»، «تالیف کارل مارکس»، «کار و سرمایه» تالیف کارل مارکس، «بیانیه حزب کمونیست» تالیف کارل مارکس و فردریش انگلس، «لنین و لنینیسم» تالیف استالین و غیره از چاپ خارج و منتشر گردید. ارانی، که هنگام زندگی در آلمان، کار در مطبعه «کاوه» و تحصیل در دانشگاه برلن، فعالیت در «جمعیت مبارزه علیه دیکتاتوری» (که ایرانیان مترقی، بویژه جوانان، در مهاجرت علیه تدارک دیکتاتوری رضاخانی تشکیل داده بودند) را آغاز کرد، عملاً رهبر جناح پیشرو و رادیکال این جمعیت شد. از همان زمان او به جنبش کارگری نزدیک گردید و عمیقاً به فرا - گرفتن مارکسیسم - لنینیسم پرداخت و به عضویت حزب کمونیست ایران درآمد.

پس از مراجعت به ایران، که مصادف با تصویب «قانون سیاه» منع تبلیغات کمونیستی در کشور و تغییر سمت سیاست خارجی دیکتاتوری رضاشاه (تا این زمان بیشتر با امپریالیسم انگلیس و از زمان آمدن فاشیستها به راس حاکمیت در آلمان، بیشتر به فاشیسم آلمان تکیه میکرد) بود، دکتر ارانی به انتشار مجله «دنیا» پرداخت و همکاران خود را به دور آن جمع کرد. شماره یکم مجله، اول بهمن ۱۳۱۲ از چاپ خارج شد و بنابه تصمیم کمیته مرکزی، از سال ۱۳۱۳ ارگان رسمی حزب کمونیست ایران شد. در صفحات این مجله است که آثار با ارزشی نظیر «عرفان و اصول مادی» (از شماره یکم به بعد)، «هنر و مادیالیسم» (شماره یکم)، «تکنیک و ارزش»، «جبر و اختیار» (از شماره ۲ به بعد)، «ارزش و کار» (شماره سوم)، «خوابیدن و خوابیدن» (شماره ۳)، «زندگی و روح هم ملتی است» (از شماره ۴ به بعد)، «ششماه مجله دنیا و انعکاس آن» (شماره ۶)، «مادیالیسم دیالکتیک» (از شماره ۶ به بعد) «هنر تو در ایران» (شماره ۷)، «پول از نظر اقتصادی» (از شماره ۸ به بعد) «بشر از نظر مادی» (از شماره ۹ به بعد) «تاریخ علوم»، «هنر در ایران جدید»، «تکامل موجودات زنده»

گسترش تازه فعالیت سازمانی و تبلیغاتی حزب کمونیست ایران، اوج جنبش کارگری و اتحادیه ای و روتق کار ایوتولوژیک، پس از کنگره دوم حزب (۱۳۰۶)، دیکتاتوری رضاشاه را سخت بهراس افکند چنانکه دیدیم، در جنوب اعتصاب بیسابقه کارگران صنایع نفت (۱۳۰۷) به درگیری وسیع خونین با پلیس رضاخانی انجامید. در تهران اتحادیه محصلین تشکیل شد، که نفوذ چشمگیری بین جوانان، بویژه شاگردان مدارس متوسطه دارالفنون و مدرسه (طب) داشت. این اتحادیه توانست اعتصاب دو هفته ای شاگردان مدرسه دارالفنون را (۱۳۰۶) سازمان داده رهبری کند. در نقاط دیگر کشور نیز اتحادیه های محصلین فعالیت خود را گسترش می دادند. اتحادیه محصلین در تهران دست به تأسیس کلاسهای بزرگسالان (اکابر) زد و ابتکار مبارزه علیه یسواد رادر کشور بدست گرفت.

پیشرفت نیروهای دمکراتیک هراس دستگاه حاکمه را شدیدتر میکرد. بوضوح دیده میشد که خود - کامگی و دیکتاتوری رضاخانی، سیاست ترور و فشار در نوبت اول علیه حزب کمونیست ایران و سپس علیه دیگر نیروهای دمکراتیک، نتوانسته است چنانکه محافل ارتجاعی آرزو داشتند جنبش اعتراض خلق را علیه استبداد و استعمار ریشه کن سازد.

نیروهای دمکراتیک به مبارزه خود ادامه میدادند. برای مثال کافی است صفحات روزنامه و هفته نامه طوفان را که به مدیریت شاعر مبارز و رجل برجسته اجتماعی و سیاسی، فرخی زدی منتشر میشد، از نظر گذراند. این روزنامه رویدادهای جنبش کارگری و اتحادیه ای را بموقع منعکس میکرد و از اقدامات ارتجاعی محافل سرمایه داری پرده برمیداشت. از این جمله است مقاله ای که بقلم نمایندگان کارگران نساج (شکرالله مانی، مهدی عباس، محمد باقر، مهدی نصرالله) در دفاع از منافع کارگران زیر عنوان «وظیفه های کاررونی بر همه معلوم شد»، در شماره ۱۴، مورخه ۲۷ شهریور ۱۳۰۶ درج گردیده بود.

یک ردیف از مقالات سیاسی این روزنامه دارای اهمیت نظری نیز بود. از جمله است «اصلاحات فلاحتی در روسیه» (مورخه ۲۷ مهر ۱۳۰۶)، «بمناسبت سال دهم انتالاب روس» (آبان ۱۳۰۶)، «اصلاحات دهمین سال انتالاب» (۲ آبان ۱۳۰۶) و غیره. در مقالات جالب زیر عنوان «چگونه باید نوشت» (۱۵ و ۱۶ اسفند ۱۳۰۶)، «حکومت نماینده یک طبقه اجتماعی مخصوص یا طبقات مخصوص اجتماعی است» (۱۶ اسفند ۱۳۰۶)، «حکومت شوروی نماینده طبقه اکثریت است» (۱۷ اسفند ۱۳۰۶)، «نویسندگان طبقات مختلف» (۱۹ فروردین ۱۳۰۷)، «آیا کسب یک از صنایع مستظرفه موثرتر است» (۱۱ اسفند ۱۳۰۷)، «صنایع مستظرفه ایران»، «تاریخ صحت» (۱۷ مهر ۱۳۰۷)، «معماری در مملکت» (۲۴ مهر ۱۳۰۷)، «صنایع مستظرفه» (۸ آبان ۱۳۰۷)، «تذخیر و نقاشی در ایران» (۴ اردیبهشت ۱۳۰۷) و غیره سعی شده است یک سلسله مسائل تاریخی، ادبی، فرهنگی و سیاسی، از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم بررسی و ارزیابی شود. اهمیت این نوع مقالات در این است که در آن دوران تاریخ دیکتاتوری رضاشاه، در روزنامه و هفته نامه علمی سنی در ترویج افکار و نظرات مترقی علمی و مارکسیستی - لنینیستی شده است.

دیکتاتوری رضاشاه، که نمی توانست شاهد این اوج تازه جنبش دمکراتیک بطور کلی، و فعالیت حزب کمونیست ایران بویژه، باشد، به گفته دکتر ارانی «قانون سیاه» منع تبلیغات کمونیستی را در ۱۰ خرداد ۱۳۱۰ از مجلس دست نشانده گذرانده، تا دست و پا از پلیس خود را در اعمال فشار علیه نیروهای دمکراتیک بازتر کند. دولت ایران حتی با مراجعه به دولت آلمان، خواستار جلوگیری از انتشار روزنامه پیکار گردید. درست در همین زمان، یعنی زمانیکه تضییق دیکتاتوری رضاخانی علیه کمونیستهای ایران به اوج خود رسیده بود، صفحه تازه ای در تاریخ درختان جنبش کمونیستی و کارگری ایران باز می شود، که با نام دکتر تقی ارانی در تاریخ نهضت های راهی بخش ملی ضد امپریالیستی زحمتکش ایران، در تاریخ کنهال توده های مردم مبارز و خلق این کشور برای همیشه ثبت گردیده است.

از انتشارات حزب توده ایران منتشر شد
ک. مارکس - ف. انگلس
«مانیفست حزب کمونیست» ترجمه جدید
از محمد پورهرمزگان

درجهان سرمایه داری
بودجه نظامی امریکا رسماً آور است

سال	بودجه نظامی (به میلیون دلار)
۱۹۸۲	۱۸۳۰۰۰
۱۹۸۳	۲۰۵۳۰۰
۱۹۸۴	۲۲۸۳۰۰
۱۹۸۵	۲۵۳۲۰۰

بگزارش منابع رسمی آمریکا، هزینه های نظامی ایالات متحده آمریکا در سال مالی ۱۹۸۱ بالغ بر ۱۶۱۸۰۰ میلیون دلار، یعنی ۲۰۰۰۰ میلیون دلار بیشتر از مبلغی خواهد بود که دولت در سال ۱۹۸۰ از کنگره درخواست کرد. پیش بینی میشود، که بودجه نظامی «واقعی» (با در نظر گرفتن عامل تورم) در سالهای آینده، سالانه ۵۰ درصد افزایش یابد. هم اکنون بودجه نظامی آمریکا تاسال ۱۹۸۵ پیش از اعلام گشته است:

درجهان سوسیالیسم
جنگل و جنگلداری در چکسلواکی

در حدود ۳۵ درصد سرزمین چکسلواکی را جنگلها میروشانند، و چکسلواکی از این حیث یکی از کشورهای طراز نخست اروپا بشمار میرود. در سال ۱۳۵۵، ۴۱۲۰۰ هکتار زمین دیگر جنگل کاری شد. (۳۳ درصد بیشتر از سال ۱۳۵۴) صنعت آلومیناسازی چکسلواکی از سطح بسیار بالای مکانیزاسیون برخوردار است. در سال ۱۳۵۵، تولید آلومینا ۱۶۹۹ میلیون مترمکعب، یعنی ۴۰ درصد بیش از رقم ۱۳۵۴ بود در آن سال، ۱۵۵۰ میلیون مترمکعب چوب به صنایع دیگر داده شد (۴۰ درصد بیشتر از سال ۱۳۵۴).

شماره سدهای چکسلواکی ۴۳۴ در سال ۱۳۲۴ به ۱۱۶ در سال ۱۳۵۵ افزایش یافت. بزرگترین دریاچه های مصنوعی آن کشور عبارتست از لینو و ویوتوسکی موردا. در سال ۱۳۵۵، ۶۴۸ درصد مسکن از آب لوله کشی همگانی بهره مند شدند (۸۰ درصد بیشتر از ۱۳۵۴) و تولید آب آشامیدنی ۱۳۰۰ میلیون مترمکعب، یعنی ۴۰ درصد بیشتر از سال پیشین، برده

شرایط نابسامان زندگی در قلب کوهستان

بفاصله ۳۳ کیلومتری راه ساری-گیاسر جاده‌ای صعب‌العبور بنسب تند کوهستانی بطول ۵ کیلومتر، که اخیراً آنرا صاف کرده‌اند به روستای ورنه می‌رود. ورنه دارای بیش از ۱۰۰ خانوار جمعیت است، که محصول عمده آن برنج، آفتاب‌گردان و جویوگندم است. این روستا بر روی قسمتی از دامنه رشته‌کوه چهاردانگه (دانه رشته‌کوه البرز) با ارتفاع حدود ۴۰۰۰ متر از سطح دریا واقع است. شیب تند جاده مانع از آن می‌شود که در گذشته روستائیان در فصل زمستان حتی با اسب هم بتوانند خود را تا جاده برسانند. در سال ۵۸ اعتباری مبلغ ۴۰۰۰۰۰۰ (چهار میلیون) ریال برای ساختمان جاده این روستا تازاه ساری-گیاسر تصویب شد. ولی وزارت راه برای صرف این بودجه عملاً کاری انجام نداد. سرانجام جهاد سازندگی این بودجه را دریافت کرد و اخیراً برای احداث جاده دست‌بکار شد. از وضع ده جویاشدیم و یادداشتان صحبت نشدیم.

وضع آموزش

در روستای ورنه یک دبستان پنج‌کلاسه هست که قبل از ترمیم ساختمان این دبستان بوسیله جهاد سازندگی، کلاس کافی برای درس خواندن نداشت. اخیراً جهاد سازندگی با تهیه ساختمان و احوال یک کلاس به‌وضع نامناسب گذشته دبستان سروسامان داد. اکثر روستازادگان ورنه بعد از اتمام پنج کلاس، تحصیلات را رها می‌کنند و برای کمک پدرمادرانشان به مزارع می‌روند. یکی از همین روستازادگان می‌گفت:

«از این جهت به تحصیل ادامه ندادم که امکانات کافی برای تحصیل از جهت معیشت خانواده‌ام نداشتیم. از طرفی از اینجا تا مدرسه راه‌مانی بیش از ۱۰ کیلومتر راه است و آنهم در جاده کوهستانی که در زمستان عبور و مرور امکان‌پذیر نیست.»

وضع بهداشت

وضع بهداشت روستا، با توجه به اینکه حدود صد خانوار جمعیت دارد، مستفاد است. بیماری‌های نظیر کچلی در بین کودکان شیوع دارد. واحد بهداشتی دوده مستقر نیست. نزدیکترین درمانگاه بهداشتی برای روستائیان درمانگاه امره (یکی از روستاهای بزرگ ناحیه) است، که فاصله آن تا روستا حدود ۸ کیلومتر راه شیب‌دار کوهستانی است و تازه در آنجا هم سطح درمان بسیار نازل است. یکی از روستائیان در مورد انتقال بیماران تاجاده ساری-گیاسر می‌گفت:

«بیمار را مثل جنازه روی تخته جوب، که مثل یک تابوت است، می‌بندیم و با هزار مشقت تا جاده می‌رسانیم.»

امکانات رفاهی

در روستای ورنه امکانات رفاهی زیادی وجود ندارد. همه روستائیان از آب آشامیدنی بهداشتی و اولیه‌کشی شده برخوردار نیستند، بلکه تنها چند نفر از روستائیان، که از طریق غیر کشاورزی (کار در شرکت مانا) امرار معاش می‌کنند، به خرج خودشان تا خانه‌هاشان لوله‌کشی کرده‌اند. علاوه بر این، کوچه‌ها و خیابانهای روستا شوریزی شده‌است و گل‌ولای میهمان همیشگی کوچه‌های ده است.

دهقانان بجای اینکه از کودهای حیوانی برای مزارعشان استفاده کنند، هر روز کتافات طولیله‌ها را سرکوبه‌ها آبیاری می‌کنند، که ادامه این وضع سلامت روستائیان را تهدید می‌کند. قبل از انقلاب حمام روستا غیر بهداشتی بود و عامل اصلی انتقال بیماری بین روستائیان بود. ولی اخیراً بکمک جهاد سازندگی حمام تعمیر گردید که تاحدودی نیازهای روستائیان را رفع می‌کند.

درآمد و قویب مالکیت

روندخانه تهن در این روستا، جلگه‌های شالیزاری کمی را برای روستائیان ساکن در طول مسیر خود بجا گذاشت، بطوری که زمین‌دارترین آنها حداکثر یک هکتار شالیزار دارد. ۷ خانواده به‌زین روستا کز زمین هستند. ۱۲ نفر از اهالی روستا در شرکت مانا کار می‌کنند و بقیه از طریق کشاورزی امرار معاش می‌کنند. مقدار زمین روستائیان کز زمین حدود حداکثر یک هکتار آبی (شالیزاری) و یک هکتار خشکه است.

یکی از کشاورزان می‌گفت:

«تقریباً ۱۰۰۰۰۰ ریال کمتر از حد معمول بخریم، در سال می‌توانیم حدود هزار تومان پس‌انداز کنیم که باید آنرا صرف دوا و دکتر فمالیم.»

یکی دیگر از کشاورزان می‌گفت:

«کشاورزی با این قیمتها صرف ندارد، زیرا خرج کارگر و شیار مین (باتراکتور) رقم بزرگی از درآمد حاصل از فروش گندم است. با توجه به اینکه حالا هم چیز گران شده است دولت باید برای بهبود وضع از حمایت کند.»

ورنه نمونه‌ایست از دهها هزار روستای دیگر، که در آن فقر، کمبود تولید حاکم است. دهقانان ورنه بحق از مقامات مشورل خواستار رسیدگی به وضع تولید و ایجاد تعاونی واقعی و کمک برای حل مسائل رفاهی خود هستند. تعاونی تولید پر خوردار از کمک دولت می‌تواند از سوئی تولید را رشد دهد و موقعیت مالی دهقانان را بهبود بخشد، و از سوی دیگر روابط عادلانه و انسانی را در مومسات و شرکتهای جنبی در روستاها برقرار کند.

انتخابات

دهقانان آهودشت در انتظار اجرای قانون

روستای آهودشت در شهرستان نور استان مازندران، در سه کیلومتری شرق چستان واقع است و در حدود ۱۰۰ خانوار جمعیت دارد. اکثر مردم آن بی‌سوادند و کم‌تر آن را دهقانان بزمین و کم‌تر زمین شکل می‌دهند، برای کدراندن زندگی خود ناچارند نود دیگران کار کنند.

از طرف دیگر زمینهای این روستا در دست یک مالک بزرگ است. در گذشته و بعد از ۳ سال دانه‌های روغنی در آن کشت می‌شده و در حال حاضر به کشت گندم تبدیل شده است. دهقانان خواستار اجرای قانون اصلاحات ارضی هستند و می‌طلبند که هر چه زودتر دست بزرگ مالک و حامیان او، در هر لباسی که هستند، کوتاه شود.

حقوق اجتماعی ملاکلا را با اجرای قانون واگذاری زمین تثبیت کنید

روستائیان تهیست روستای ملاکلا از روستاهای اطراف جویبار قائم شهر اقدام به کشت زمین‌های قنودالهای روستای خود کردند. قنودالهای این روستا برای حفظ سطح اشتراک‌رانه خورد متوسل به انواع حیل و توطئه علیه روستائیان زحمت‌کش شده‌اند. قنودالها به بهانه‌های مختلف دهقانان را به دادگاه و شهربانی میکشند و میکوشند روستائیان را از کار و تولید بازدارند و مانع کشت آنها شوند.

توتونه دیگری از شیوه‌های ضد دهقانی عبارت از این است که، قنودالها زمین‌های کشت شده را از دهقانان تهی‌دست می‌گیرند و به جیره خواران و مزدوران خود می‌دهند و بدین ترتیب آنها را برای مبارزه و پورش علیه جان و مال دهقانان تهی‌دست تشویق می‌کنند.

جامعه بعد از انقلاب مامیتراند بیش از این شاعر پایمال شدن حقوق دهقانان و انواع توطئه‌های رنکارتن قنودالها و بزرگ‌مالکان علیه دهقانان و انقلاب باشد. با توجه به نسل برداشت‌محصول، اندامات توطئه‌آمیز مالکان بزرگ برای از بین بردن خرمنها تشدید می‌یابند. باید با اجرای سریع قانون واگذاری زمین به دهقانان تهی‌دست، مالکان بزرگ را خلعید کرد و به آزادی در برده دهقانان تهی‌دست برای وهانی کامل از سلطه و توطئه بزرگ مالکان جامعه عمل بپوشاند.

ثمره نیکوی اتحاد

روستای کاروچکلا، واقع در بخش کیکلا، از شهرستان قائم‌شهر سزاندان، دارای ۹۲ خانوار است. مشکلات این روستائیان زمین‌وامد کمی بوده‌کشی (آب‌سامی‌دنی) است. این روستائیان برای بدست آوردن زمین علیه مالک این روستا نیز شکایت کرده‌اند و بکار عم یک راهبسانی علیه مالک بزرگ‌ار کردند. در این راهبسانی دهقانان بی‌زمین در زمین شرکت داشتند.

اهالی این روستا قبل از پیروزی انقلاب زمینهای مالکان را نصف کردند و بعد از پیروزی انقلاب، با تشکیل شورای دهقانی متشکل از دهقانان بزمین و کم‌تر زمین، توانستند محصولات را از آن خود کنند و زمینهای مذکور را نیز بطور کامل در دست خود بگیرند. عملکرد این شورا مثبت و در راستای منافع دهقانان زحمتکش است. دهقانان باید با حفظ اتحاد و تنکله خود در ساختمان آینه‌ده روستای خود متحداً سهیم شوند.

زمین مسئله اصلی

* طرد بزرگ مالکان، دفاع از انقلاب است * * تشکل در کمیته‌های دهقانان تهی‌دست و اتحادیه‌های دهقانی به اجرای صحیح قانون کمک میکند

دهقانان تهی‌دست (فرد دهقانان بی‌زمین و کم‌تر زمین) بیش از دیگر اقشار دهقانی در آماج ستم طبقاتی و جفاوتگری امپریالیسم قرار دارند. این قشر از دهقانان، به علت عدم تملک بر وسائل تولید و یا دستیابی ناقص به وسائل کار، مجبورند برای تأمین مایحتاج زندگی خود به اشکال گوناگون نیروی کار خود را در اختیار صاحبان زمین و وسائل تولید قرار دهند. دهقانان کم‌تر زمین، که درجه تملک آنها بر وسائل تولید، بسیار محدود و منحصر به مقدار کمی زمین و یا گاو و وسائل ابتدائی تولید است، حتی قادر به تأمین خودکفالی اقتصاد خانوادگی نیستند. این دهقانان برای ادا زندگی تجارتهای نیروی کار و توان تولیدی خود را در خدمت دیگران بگذارند و از آن طریق مری برای خود جستجو کنند. آنها بعنوان محرومترین اقشار دهقانی خواهان طرد روابط استثمارگرانه حاکم بر روستاها هستند و دیگران راه طرد کامل بزرگ مالکی و قنودالیسم را می‌پسندند.

دهقانان کم‌تر زمین و بی‌زمین در مبارزات اجتماعی و نیز در انقلاب شکوهمند ایران برای نفی نظام شاهنشاهی و طرد سیاست امپریالیسم و اقتصاد ایران فعالانه شرکت کردند و سهم خویش را در کنار دیگر طبقات و اقشار اجتماعی ادا کردند. مبارزات آنها برای کم‌تر زمین، بویژه بعد از انقلاب، منجر به وارد ساختن ضرباتی جدی بر قنودالیسم و بزرگ مالکان شد.

در طرح استانداردها، کم‌تر زمینها دشواری انقلاب تصویب رسیده، انعکاس وسیعی از خواستههای دهقانان دیده می‌شود. مبارزات ضد قنودالی دهقانان تهی‌دست بخشی از مبارزات ضد امپریالیستی خلق ایران است. دهقانان تهی‌دست به یکی از پایگاه‌های اجتماعی امپریالیسم در درون کشور، یعنی بزرگ مالکی حمله‌ور شدند و امروز نیز با حفظ توان انقلابی خود، خواهان تداوم انقلاب بصورت طرد کامل سیستم بهره‌کشی بزرگ مالکی هستند.

نقش روستائیان استان سزاندان در مبارزات دهقانی بسیار ارزشمند است. دهقانان مازندران، در کنار سایر برادران دهقان خود، با طرد قنودالی خفینی و در حمایت از طرح استانداردها صفا می‌خواهان اجرای قانون مصوبه شورای انقلاب و طرد قنودالی روابط غیر انسانی نهفته در سیستم بزرگ مالکی هستند.

نمونه‌هایی از مبارزات دهقانان استان مازندران، که در زور به اختصار نقل می‌گردد، گویای حرکتی است منطبق با روح انقلاب و خواسته‌های انقلابی توده‌های وسیع زحمتکش، که با رسیدگی و توجه به آنها، انقلاب ما برتر تر و راهگشای آینده‌های پراز امید و بارور خواهد بود.

حل معضل زمین و آب در حکیم‌آباد

مبوم و ضروری است

روستای حکیم‌آباد از توابع ورامین است. در این روستا قنودالی ۱۵۰ خانوار سکونت داشته‌اند، که بجهت کمبود آب و زمین این محل را ترک کرده‌اند و در حکیم‌آباد تنها ۲۳ خانوار زندگی می‌کنند. قریب ۱۲۰ هکتار زمینهای این روستا در چنگ چند بزرگ مالک قرار دارد و در نتیجه کشاورزان تهی‌دست تنها بر روی مقدار کمی زمین کار می‌کنند. مالک اصلی صاحب ۴ الی ۵ مورتور آب است. در مقابل روستائیان فقط از یک عدد آنها استفاده می‌کردند، که آب در حال حاضر خراب شده و نیازمند به تعمیر است و به همین علت کشاورزان بسیار ناراحتند، زیرا مخارج تعمیر آن زیاد بوده و پرداخت آن نیستند. گاه‌گاهی جهاد سازندگی به این روستا می‌آید، که با راول از طریق دعوت یکی از اهالی که عضو هیات پاسداران انقلاب است، صورت پذیرفت.

همکاری روستائیان در تولید را باید در «خطیر کلا» سازمان داد

روستای خطیر کلا در غرب قائم‌شهر قرار دارد. در این روستا حدود ۲۰ خانوار خرده مالک زندگی می‌کنند، که هر یک ۲۰ الی ۵۰ هکتار زمین دارند. در این روستا بالغ بر ۱۵۰ خانوار روستایی کم‌تر زمین و بی‌زمین نیز زندگی می‌کنند. هر ساله این روستائیان بی‌زمین و کم‌تر زمین مقداری از زمینهای خرده مالکان را به‌مناسفه می‌گرفتند. ولی امسال خرده مالکان از مناسفه خودداری و مسابرت به کاشت درخت در زمینهای خود کرده‌اند و مقداری را کشت نگه‌ده

بای گذاشته‌اند. روستائیان تهی‌دست بارها برای گرفتن زمین به فرمانداری شکایت کرده‌اند. و با نوبهای مساعد و روبرو شده‌اند، ولی هنوز مشکل آنها حل نشده است. برای حل مشکلات این روستائیان میتوان تعاونی‌های تولیدی روستایی را بسود همه دهقانان زحمتکش و با در نظر گرفتن سهم و حق آن خانوارهای خرده مالکی که کار می‌کنند، سازمان داد تا بهره برداری کامل از زمینها این روستا بعمل آید و همه برادرانه به رفاه و تولید بیشتر برسد.

انجمن، روستای بخشی لیتکوه، شهرستان آمل، ۳۵ خانوار جمعیت در دی ماه سال گذشته این روستا اعتراض و راهپیمایی دسته‌جمعی دهقانان زمین و کم زمین علیه مالک و برای زمین بود. در این تظاهرات دهقانان شعارها بر طرفداری و حمایت از رهبر انقلاب خفینی می‌دادند و با درک صحیح خفینا علیه مستکبران است، خواهان حل زمین شدند. خواسته‌های دیگر این، مربوط به تهیه وسائل ضروری تولیدی، بذر، کود و تراکتور است. دیگر این دهقانان حل مسئله بهداشت، رفاهی و ساختن جاده روستایی است.

اواسط بهمن ماه سال ۵۸، دهقانان زمین و کم‌تر زمین روستای چالیکلا، لیتکوه، یک راهپیمایی علیه یکی از مرنه در برگزار کردند. مالک روستا مقدار ۳۰ هکتار زمین در روستا دارد، که قبلاً متعلق به اراضی ج بوده است. دهقانان خوش‌نشین بودی زمین اقدام می‌کنند، ولی در سطح روستا با مخالفت گرم‌ها از روبرو میشوند. برای حل مسئله زمین حل مسئله اشتغال دهقانان در روستا که قبلاً متعلق به اراضی ج بوده است. دهقانان خوش‌نشین بودی زمین اقدام می‌کنند، ولی در سطح روستا با مخالفت گرم‌ها از روبرو میشوند. برای حل مسئله زمین حل مسئله اشتغال دهقانان در روستا که قبلاً متعلق به اراضی ج بوده است. دهقانان خوش‌نشین بودی زمین اقدام می‌کنند، ولی در سطح روستا با مخالفت گرم‌ها از روبرو میشوند. برای حل مسئله زمین حل مسئله اشتغال دهقانان در روستا که قبلاً متعلق به اراضی ج بوده است.

خواست دهقانان تهی‌دست این علاوه بر مسئله اشتغال در مسائل بهداشتی و فرهنگی بیان میشود.

دهقانان تهی‌دست روستای گ

منطق حماقتاری و مالکیت بزرگ

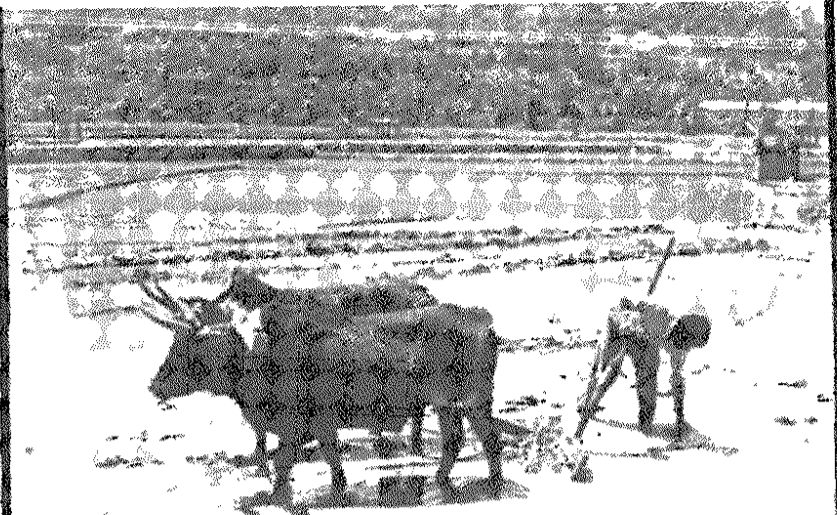
دهقانان مینویسند:

«احتراماً بعرض میرساند، اینجانبان اعضاء کد ورده کشاورزان روستای ماچک‌بشت شکایتی داریم بر سرشناس شهرستان ساری، بدین ترتیب که بعد از انقلاب خلق قهرمان ایران به‌زعامت رهبر بزرگ امام خفینی این روستا زمین‌هایی که توسط مالکین بزور از آنها اقدام به پس‌گرفتن زمین نمودند. در این رابطه آقای ی یکی از زمیندارهای عمده می‌باشد، از دست کشاورزان چندین بار شکایت کرده آنها را به‌دادگاه کشانده‌است کشاورزان را از کار و زندگی بزدبارد و در روز افراد معلول‌انحال را اجیر نموده، که با جاقو و تهدید پی بپشتند و آنها را مورد ضرب و جرح قرار دهند. در روز ۳۰ اردیبهشت که کشاورزان به همین جهت به‌داد می‌نمایند، عده‌ای جاقو بدست که برای ماهاالی ناشنا، طرف مالک اجیر شده‌اند، به کشاورزان حمله کردند موفق به دستگیری یکی از این افراد شده‌اند که متوسل‌کار با جاقو می‌سیمه، لذا کشاورزان از دست گل‌بایا بخشی بزرگ هست، تأمین چایی ندارند و تقاضا می‌کنیم که ما کشاورزان که پناهگاهی جز قانون جمهوری آ- رسیدگی و مبارزه از شر این فاسد خلاص کنید. با احترامات اسلامی کنار»

نمونه‌ای که این روستائیان می‌نویسند، نشان چاقو‌داری در دست ازبایان بوسیله‌ای برای اولاد آنها در درون دادگاه بدل شده است. با واگذاری زمین به دهقانان تهی‌دست، مالک توطئه‌های ناشی از آن از صحنه روستاها زوده می‌توان به‌خواست بحق این روستائیان رسیدگی و جمل وابسته به زمین‌داران بزرگ گرفته میشود.

دهقانان کم‌تر زمین و بی‌زمین! با تشکیل به مسئولان

دهقانان مازندران



کار میکنیم، با همه وسایل و در هر شرایطی کار میکنیم. اما زمین و محصول باید مال کسی باشد که کار میکند. (روستای گردش - اطراف قائم شهر)

در روستای گردش کار خانجات جنبی ایجاد کنید



پس از اینهمه کار، یک استکان چای چقدر میچسبد... (روستای گردش - اطراف قائم شهر)

بخصوص هنگام بالا آمدن آب رودخانه امکان دستیابی به بزرگ نداشتند. روستای گردش فاقد برق است. کوجهای آن تاکنون شن بریزی نشده است. در این روستا تاکنون شورا تشکیل نگردیده. در میان کماکان وظیفه شورا را انجام می دهند. درآمد روستائیان از طریق کشاورزی و دامداری تامین می شود. همجواری این روستا با چنگل تولید دام را با صرفه می کند. لذا بقرول یکی از روستائیان، در صورتیکه دولت وام کاشی بدهد، پرداختن به دامداری برای ما بهتر است. در این روستا زمین مرغوعی به اندازه کافی وجود ندارد. بهترین روش برای اشتغال دهقانان این روستا، توسعه دامداری و ایجاد کارخانه های چینی و صنایع دستی روستایی است.

روستای گردش ادوسی و دو کیلومتری ساری و بر روی تپه ای که دوازدهم بزرگ رودخانه تچن آن را در میان گرفته اند، قرار دارد. روستای گردش را جاده ای بطول دو کیلومتر، که از رودخانه تچن می گذرد، به راه ساری - کتیا س متصل می کند. این جاده شش ماه قبل توسط جهاد سازندگی تمیز گردید، لیکن هنوز شن بریزی نشده است. چون این جاده در مسیر خود دارای شیب های تند است، بهنگام زمستان بدون شن بریزی رفت و آمد در آن امکان پذیر نیست. در این روستا دبستان راهنمایی وجود ندارد. بنا بر این فرزندان روستائیان جهت تحصیل به ۱۰ کیلومتری محل یا به شهر می روند و این خود موجب محرومیت بسیاری از تحصیل گردیده است. خدمات درمانی در این روستا وضع اسفناکی دارد. اکثر بیماران بعلت فقدان راه ارتباطی و

جهاد سازندگی و مسائل دهقانان مازندران

آقای شتابان، مسئول جهاد سازندگی ساری، مرکز استان مازندران، سخنانش خطاب به اعضای ستاد جهاد سازندگی ایراد کرد، که گوشه ای از گفته های ایشان در صفحه ۷

روستای سادات محله با یک هزار نفر جمعیت از توابع چهارده تکه ساری است. اهالی روستا به کشاورزی و دامداری مشغولند. زمینهای قابل کشت دیمی در این ده به حدود ۵۰۰ هکتار میرسد که از این مقدار ۵۰ هکتار زیر کشت گندم، ارزن، جو و یونجه قرار دارد. بقیه زمینها (یعنی ۴۵۰ هکتار آن) بعلت نابسامانیهای مالی دهقانان و نیز فقدان وسائل مدرن کشاورزی بلا استفاده مانده اند. همچنین زمین مساحت ۸۰ هکتار در فاصله هشت تا ده کیلومتری پشت روستا وجود دارد که روستائیان بر روی آن برنج میکارند. محصول عمده روستا نیز گندم است.

همچنان وجود دارد ولی در صورت اتحاد و پیگیری نمیتوان دهقانان را وادار به رفع کردن مبارزات و رسیدن به خواستهای بحق خود کرد.

کوسهوز نام روستای دیگری است از بخش پائین خیابان لیتکوه. در این روستا ۷۰ خانوار زندگی می کنند که اغلب آنها دهقانان بی زمین و کم زمین هستند. اوایل پیروزی انقلاب، همزمان با آغاز رشد مبارزات دهقانی در این روستاست. دهقانان قبیله کوسهوز برای حمایت از طرح انقلابی استاد رضا اصفهانی به شهرستان آمدند و در یک تظاهرات خیابانی خواست خود را مطرح کردند. دهقانان برای کسب زمین یک شکایت دسته جمعی تنظیم و به مقامات مسئول اداری تسلیم کردند. همچنین با تجمع خود در جلوی ادارات دولتی خواهان رسیدگی سریع به خواست بحق خود شدند. در این روستا هنوز شورای ده تشکیل نشده است. علاوه بر شکل این دهقانان در کمیته و اتحادیه دهقانی شمات است برای تثبیت و رسیدن به حقوق صغری و اجتماعی خود.

هاتنگوه که در نونهای فوق دیده می شود، جنبش دهقانی استان مازندران، مانند سایر نقاط ایران، متشکل از نیروی عظیم توده های دهقانان تپه است. این نیروی عظیم، که در انقلاب شرکت فعال داشته و اینک یک از انقلاب ما انتظار بهبودی زندگی خود را دارد، می تواند در جامعه بعد از انقلاب، بعنوان حامیان و پادشاهان انقلاب و دستاوردهای آن، در برابر امپریالیسم جنجی کند. بالا بردن توان انقلابی این دهقانان در گرو حل مسائل حیاتی آنان است. زحمت کشان در جوامعی که اساس حکومت برهمنی احترام به منافع آنان یا بهره ریزی شده است، نیروی مقاومت جنجی و وسیعی را علیه تجاوز امپریالیسم و نیز برای رشد و تکامل جامعه تشکیل میدهند. تمام قانون و گذار زمین به دهقانان و آزادی آن در شورای انقلاب تصویب شده است. دهقانان باید با تشکیل کمیته های دهقانی، خود را برای اجرای این قانون آماده کنند و ضمن کمک به مسئولان و ماموران اجراء، ناظر بر اجرای صحیح قانون مطابق با روح و راستای انقلاب باشند.

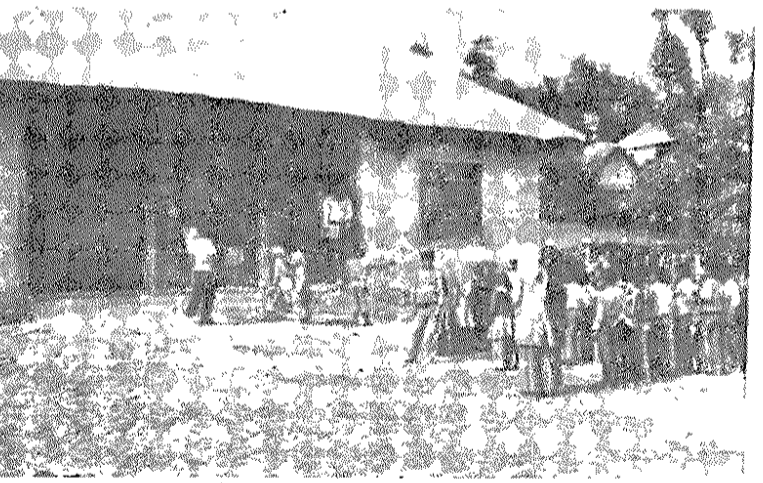
در روستای سنگ تپه واقع در بخش چستان نود (با ۳۷ خانوار) مبارزات دهقانی برای کسب زمین بعد از انقلاب با شدت بیشتری آغاز گردید. در اوائل بهمن ماه سال گذشته دهقانان سنگ تپه، با مراجعه به مقامات و ادارات دولتی، خواستار تقسیم اراضی مالکان بین دهقانان شدند. دهقانان تپه دست، که نیروی عمده این مبارزات را تشکیل میدادند، برای حل مسائل خود دست به این نوع مبارزه زدند. از سوی دیگر، مالک ده یک گروه چاقادار را برای حفظ سلطه خود سازمان داده بود و برای مقاصد خود دهقانان را سرکوب می کرد. دهقانان با مراجعه به مقامات مسئول موفق میشدند، بعضی از خواستهای خود را بدست آورند و منجمه نیمی از زمین های مالک به دهقانان منتقل گردید. خطل یورش چاقاداران مالک

ش لیتکوه (با ۲۷۴ نفر جمعیت)، به راض و رامیسانی برای آزادی یکی از ستائیان این ده، که بعلت اعمال نفوذ مالک ستا زندانی شده بود، دست زدند. این مبارزه با آزادی روستایی بازداشت شده، با موفقیت به پایان رسید. همچنین دهقانان بی زمین و کم زمین است. در روستا شورای ده هنوز تشکیل نشده است و دهقانان تپه دست برای تشکیل را به فعالیت و مبارزه خود ادامه می دهند.

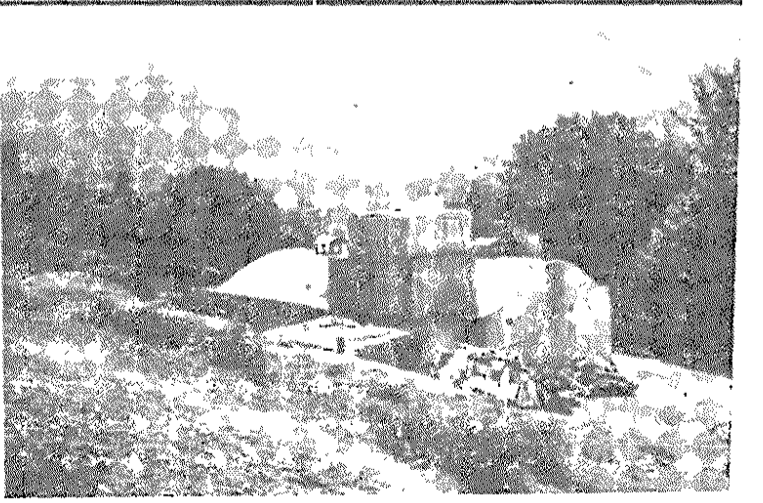
در جمله مشکلات دیگر دهقانان تپه، رسیدگی به کبیردها در زمینه کور و تراکتور و نیز مسائل رفاهی و آشتی است. این آیه قرآن است، زمین مال دهقان است، با این شمار و شمارهای در حمایت هیر انقلاب، امام خمینی، دهقانان بی زمین و کم زمین و نیز دهقانان خرده پا در ای دیروز، از توابع لیتکوه، سال قبل امپیسائی برای کسب و حل مسئله زمین از کردند. با ادامه مبارزه خواست آنان در دادگاه انقلاب مطرح میشود. چنین بهبود شرایط، نابسامان زندگی، دیگری از خواستهای دهقانان تپه. این روستاست. این دهقانان خواهان مسئله ارضی به نفع زحمتکشان و نیز کمی به کبیردها در زمینه آب آشامیدنی و بهداشت هستند.

آباد روستائی است از توابع پائین لیتکوه. در این روستا ۳۰ خانوار زندگی می کنند. وجود مالک محلی چاقادار او و نیز روابط ظالمانه بر روستا، دهقانان بی زمین، کم زمین میا را وادار به رامیسانی و شکایت

تجهیز کشاورزان به وسائل مدرن تولید، به تولید کشاورزی بیافزاید



مدرسه ای که کونکان سادات محله - نزدیک ساری - در آن ترمیم می خوانند



دگرما به ای که اهالی سادات محله از آن استفاده میکنند

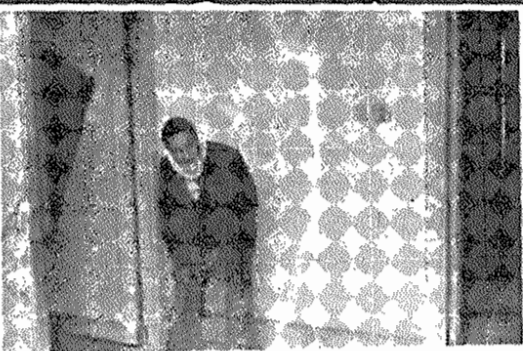
روستای سادات محله با یک هزار نفر جمعیت از توابع چهارده تکه ساری است. اهالی روستا به کشاورزی و دامداری مشغولند. زمینهای قابل کشت دیمی در این ده به حدود ۵۰۰ هکتار میرسد که از این مقدار ۵۰ هکتار زیر کشت گندم، ارزن، جو و یونجه قرار دارد. بقیه زمینها (یعنی ۴۵۰ هکتار آن) بعلت نابسامانیهای مالی دهقانان و نیز فقدان وسائل مدرن کشاورزی بلا استفاده مانده اند. همچنین زمین مساحت ۸۰ هکتار در فاصله هشت تا ده کیلومتری پشت روستا وجود دارد که روستائیان بر روی آن برنج میکارند. محصول عمده روستا نیز گندم است.

در این روستا بزرگ مالکسی وجود ندارد و اهالی همگی خرده مالک هستند. دامداری روستا رواج چندانی ندارد و اکثر اهالی در اثر سه راس گاو در در تلمک دارند. برخی نیز دارای ۲۰ تا ۲۰۰ راس گوسفند هستند. ۹۸ درصد بزرگسالان از نعمت سواد بهره مندند. روستا دارای مدرسه ای با ۸۴ دانش آموز است که این تعداد فقط ۲۰ درصد خرد سالان روستا را تشکیل میدهد. ساختمان مدرسه کلی است و دیوارهای آن دانه در حال برزش هستند. در این روستا یک حمام وجود دارد، که آب آن غیر بهداشتی است. کیفیت و گل آلود است. آب آشامیدنی روستا از چشمه ای که بعضی اوقات خشک میشود، تامین می کرد. این روستا فاقد درمانگاه است. برای رشد و ازدیاد تولید کشاورزی باید به هکتار زمین بلا استفاده و نیز دیگر زمینهای روستا را بطور مساع کشت کرد. برای اینکار باید مسئولین امر وسائل مدرن کشاورزی و همچنین اعتبارات کافی در اختیار کشاورزان قرار دهند.

با خود و با تکیه به پاسداران متعهد و افراد دلسوز جهاد سازندگی، کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سریعاً و بسود شما اجرا شود

تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

در کارخانه وطن اصفهان



یک عمر کار، باز هم کار... چاره‌ای نیست!

مسائل کارگری

در کارخانه چای خشک کنی ساعت کار کارگران فصلی از ۸ صبح تا ۱-۲ نیمه شب است

- افزایش دستمزد
- بیمه درمانی
- بهداشت محیط کار

کارخانه چای خشک کنی عموی در فاصله ۱۶ کیلومتری قومن در روستای گردآبانه واقع است. این کارخانه که حدود ۳۱ سال پیش تأسیس شده است، فعلاً در اجاره سازمان چای است. مالک آن، بابت خشک کردن هر کیلو چای، مبلغ ۴۴ ریال از دولت سازمان چای دریافت میکند.

ظرفیت (تاز) کارخانه ۱۸۴۰۰ تن است، ولی روزانه ۴۴ تن برگ سبز چای دریافت میکند. برگ سبز هر کیلو ۵۰ ریال از کشاورزان خریداری میشود.

کار در این کارخانه بسیار مشکل و طاقت فرسا است. اکثریت کارگران از مزایای اولیه نظیر بیمه درمانی محروم هستند. کارگران این کارخانه سه دسته‌اند:

- ۱- کارگران دائمی که هفت نفرند.
- ۲- کارگران فصلی، که ۶ ماه از سال را در این کارخانه کار میکنند، و ۶ ماه دیگر، در صورتی که امکان داشته باشد، به کارهای دیگر می‌روند. کارگران فصلی بابت یک حق بیمه پرداخت میکنند، بیمه نیستند، یعنی غالباً دفترچه بیمه درمانی ندارند.
- ۳- کارگران روزمزد، که تعدادشان به نسبت شدت کار کم و زیاد میشود و روزانه دستمزدی برابر کارگران ساختمانی دریافت میدارند. ساعت کار روزانه این کارگران ۸ ساعت است. وقتی که با کارگران بهصورت می‌کشند، سالهای رنج و محرومیت را پلنگ می‌کنند. عصاره درد دل آنها «دستمزد شدیده است».

کارگران فصلی از ساعت ۸ صبح الی ۱ تا ۲ نیمه شب، تا زمانی که چای مراحل تبدیل از برگ سبز تا چای خشک را طی کند، باید یکسره کار میکنند. آنان در برابر هر ساعت کار ۸۰ ریال مزد بگیرند. کارفرما در برابر ساعات اضافی کار، اضافه دستمزدی به آنها نمی‌پردازد.

کارگران قسمت چای خشک کنی هیچ مزایایی در برابر شرایط بد محیط کار دریافت نمی‌کنند. یکی از کارگران فصلی که در این قسمت کار میکند میگوید:

«در این قسمت گردوخاک زیاد است و به‌بویچه بهداشت وجود ندارد».

در این جا کارگران احتیاج به شیر دارند و از آنجا شرایط کار دشوارتر است، کارگران این بخش باید دستمزد بیشتری بگیرند. سابقه کار کارگران هم در نظر گرفته نمی‌شود. کارگر مذکور در ادامه حرفهایش می‌گوید:

«من با چهار سال سابقه کار، دستمزد برابر یک کارگر تازه کار دستمزد می‌گیرم».

کارگران فصلی، در روزهای تعطیل رسمی بجز برای روزهای معمولی دستمزد دریافت نمی‌کنند. البته این شرایط پیش از این وجود نداشت و اخیراً برقرار شده است. یکی از کارگران دائمی، که پیش از ۲۰ سال است، در این کارخانه کار میکند، میگوید:

«با ماهی ۱۳۰۰ ریال استخدام شدم. سال گذشته دستمزد ماهانه ۹۰۰۰ ریال بود، بعداً به ۱۳۰۰۰ ریال رسید و امسال طبق ضوابط قانون کار، قرار شده ماهیانه ۱۸۰۰۰ ریال پرداخت کنند».

وی دارای هسر و هفت فرزند است، که با افزایش سرسام آورده زندگی به سختی زندگی میکند. از گرفتاریهایش میگوید:

«تا سال گذشته دفترچه بیمه کارگری داشتم و ناچار می‌بایست نزد دکتر شخصی میرفتم. همسرم دچار ناراحتی اعصاب است. به همین خاطر پول زیادی خرج مداوای او شده، تا بالاخره پس از مراجعات مکرر به کارفرما، سال گذشته موفق به دریافت دفترچه درمانی همگانی شدم».

کارگران این کارخانه تشکلهایی ندارند. ازجمله هم خبری نیست. از این نظر کارگران نمی‌توانند خواستههای خود خود را جمعی مطرح کنند. در درجه اول کارگران خود باید بکوشند تا تشکلهایی را تشکیل بدهند، که شان بین روزی آنهاست و مسئولین دولتی نیز باید به خواستههای کارگران توجه کنند و در جهت رفع مشکلات آنها اقدام نمایند.

تکه دارند، مسئولین تقریباً تمویه‌ها را از کار می‌اندازند. و به همین علت در این فصل دائماً هوای کثیف استشمام میشود. پس آمدن شرایط زمی توان در کارگرانی که دست کم سه سال در این محیط کار کرده‌اند، یافت. رماتیسم، سردرد و کم‌سوئی چشم از جمله بیماریهای مبتلایان این کارگران است.

قسمت‌های رنگرزی، رفوگری، شستشو، اعوانبار نیز از نظر بهداشتی فرق چندانی نسبت به قسمت‌های قبلی ندارند. شورای کارگران کارخانه توانسته است اقدامات مثبتی در جهت آسایش خواستههای کارگران انجام دهد، که اهم آنها عبارتند از:

- ۱- قرارداد سود سالانه پانزده درصد کارگران (در اسفندماه ۵۸).
- ۲- یکسری برای خواست بحق کارگران در اسفندماه سبیه شیر».

۳- استخدام پزشک برای مبدکوک کارخانه (در اردیبهشت و خرداد ۵۹) اخیراً یک شورای پنج نفری نیز بنام «شورای تمارنی مسکن» در کارخانه تشکیل شده است. تاکنون در حدود ۱۵۰ نفر از کارگران تقاضای مسکن کرده‌اند، که قرارداد، بر اساس اولویت و پندریه، به تقاضاهای آنان رسیدگی بشود.

گرچه تعداد تقاضایان ۱۵۰ نفر است، ولی عده‌ای از کارگران در خوابگاهها و کاروانسراها زندگی می‌کنند و از گفتن آن بدیگران شرم دارند.

بعضی از کارگران نیز پس از چهل سال کار و زحمت مشقت‌بار، بابت یک باغ ۸۰ الی ۱۰۰ متر عائله در ساختمانی با مساحت ۴۰ متر مربع زندگی میکنند و با در نظر گرفتن شرایط دشوار انقلاب، ضمن اینکه می‌وزند و می‌سازند، هنوز رسماً تقاضای مسکن نکرده‌اند. در مورد مشکل مسکن، سازمان عمران و راهسازی برای متقاضیان شرایطی در نظر گرفته که بقول کارگران:

«فقط مستکبران می‌توانند تقاضای زمین کنند. و نه مستضعفان».

طبق این شرایط ابتدا باید ده هزار تومان پرداخت شود و پس از تحویل زمین، حداکثر پس از ۳ ماه شروع به ساختمان کند و گرنه زمین پس گرفته میشود.

در مورد مسکن، کارگران معتقدند که دولت باید خانه‌های ارزان قیمت با تقاضای مناسب با حقوق کارگران بسازد و در اختیار آنان قرار دهد.

مشکل دیگر کارخانه مربوط به سرویس رفت و آمد کارگران است، بطوریکه عده‌ای از کارگران مجبورند کیلومترها راه تا ایستگاه سرویس پیاده بروند.

● کمبود وسائل یدکی ماشین‌ها، کارخانه را به تعطیلی تهدید میکند

● رماتیسم، سردرد و کم‌سوئی چشم از جمله امراض کارگران است.

● عده‌ای از کارگران در خوابگاهها و کاروانسراها زندگی میکنند.

کارخانه (ریسندگی و ریافتگی) وطن اصفهان ۸۳۰ کارگر و کارمند دارد. بیش از یک چهارم افراد فوق، با وجود کمبود مسکن، هنوز بازنشسته نشده‌اند و بلا تکلیف هستند.

پس از تحریم اقتصادی میهنان از جانب امپریالیست‌ها، دولت امپریالیستی آلمان فدرال نیز از تحویل وسایل یدکی ماشینهای این کارخانه خودداری کرد.

در زمینه ساخت وسایل یدکی ماشین‌ها، عده‌ای از مستکبران ابراز آمادگی کرده‌اند، ولی به علت ضعف مالی قادر به ساختن آن نیستند و بدینجهت از دولت تقاضای وام کرده‌اند.

بر مقامات مسئول مملکتی است که با فراهم آوردن امکانات مالی برای این عده از مستکبران میهنان، شرایط را برای رشد صنایع داخلی فراهم آورد و زمینه را برای قطع وابستگی هاب دول امپریالیستی بسپارد.

به علت کمبود وسایل یدکی، تعدادی از ماشین‌های این کارخانه از کار افتاده‌اند. علی‌رغم تازمانی‌های موجود، کارگران با کوشش و فداکاری بسیار مانع از اخلال در امر تولید شده‌اند و از بهر رفتن مواد و شکستن ماشین‌آلات، تاکنون بدقت جلوگیری کرده‌اند. با این وجود و با گذشت بیش از شانزده ماه از پیروزی انقلاب، قراردادهای کارگران با کارفرمایان بر اساس همان قراردادهای زمان رژیم سرسپرده پیشین است.

کارگران در شرایط بسیار نامساعد بهداشتی بسر می‌برند. برای مثال قسمت‌های حلاجی، چله‌بجی، ریسندگی و ریافتگی فاقد پنجره و هوای آزاد و نور طبیعی است. میزان رطوبت ۷۰٪ است و غالباً ذرات گردوغبار آبیرویی، در فضا معاق است. تمویه‌هایی که در قسمت‌های مختلف نصب شده، قادر به تمویه هوا نیستند، خصوصاً در زمستان، برای اینکه هوای سالن را گرم

ضد انقلاب در لفظور (آذربایجان غربی) کارگری را بشهادت رسانید!

کارگری بر اثر انفجار مین در کنار ریل راه آهن شهادت رسید.

در این حادثه، که عصر سه شنبه سوم تیرماه جاری اتفاق افتاد، حیدرعلی حنیف‌زاده (کارگر)، حین مرمت ریل راه آهن، با انفجار مین در لفظور، مین ایستگاه سراسری و «آپکر» واقع در آذربایجان غربی شهادت رسید، و دو کارگر دیگر مجروح شدند.

ماضمن تسلیم به خانواده و دوستان این کارگر شریف، که جان پر سر سازندگی مینهاد، از آزاد خویش نهاد، از نهادهای اجرامی مسئول می‌خواهیم با اقدامات پیگیر و موثر خویش در سرکوب ضد انقلاب در منطقه بکوشند. باشد تا در آینده هرگز شاهد قربانی شدن بهترین فرزندان این آب و خاک بوسیله ضد انقلاب نباشیم.

احیای کارگری

وضع مالکیت کارخانه تأمین ماسه ریخته‌گری فیروز کوه را روشن کنید

کارخانه تأمین ماسه ریخته‌گری در سال ۱۳۵۳ در محلی بنام امیریه (۳ کیلومتری فیروزکوه) تأسیس شد. ترکوبات گوناگون ماسه‌سیلیسی (خالکیشی)، که از معادن اطراف فیروزکوه بوسیله کارفرمای بخش خصوصی و برابگان تأمین می‌شود، در این کارخانه از هم جدا می‌شوند. خیامی، مالک کارخانه، از سرسپردگان رژیم سابق بود که در جریان انقلاب مجبور به فرار از ایران شد. از آن هنگام تا کنون نماینده کارفرما اداره کارخانه را برعهده دارد و وضع مالکیت کارخانه همچنان هم به است کارگران نمی‌دانند که حاصل دسترنجانان چه چیز کسی سزایر میشود. از این رویکی از خواستههای هم آنها رسیدگی به وضع مالکیت کارخانه و حساب فروش محصولات آن است.

پس از پیروزی انقلاب، کارگران بیکار برای استیفای حقوق اندوس رفته. خود تشکیل شورا داده‌اند و این شورا همچنان فعال است. مسئولین کارخانه نتوانند توجه به خواستههای کارگران نمی‌کنند، بلکه در کار شورا کار شکنی میکنند. آنان یکسره در صدد ایجاد دفتر در میان کارگران اند، و در این زمینه از هیچ نوع تحریمی خودداری نمی‌کنند.

در ابتدای شروع کار (سال ۱۳۵۳) مزد کارگران در سطح برابر ۱۲ ساعت کار فقط ۲۰۰ ریال، ولی بر اثر مبارزه خود کارگران، کار روزانه به ۸ ساعت تقلیل و حقوق روزانه به ۲۳۰۰ ریال افزایش یافت.

پس از پیروزی انقلاب، کارگران بر اثر مبارزه پیگیر خود موفق شدند که دستمزد خود را به پیش از چهارصد ریال در روز برسانند. پس از تصویب حداقل مزد توسط شورای انقلاب، ماهانه مبلغ ۲۵۰۰ ریال به حقوق آنها اضافه

برپایی نمایشگاه کار و زندگی کارگران از طرف حزب توده ایران - سازمان شهرستان بوشهر



کارگران ایران! در انجمن‌های صنفی (سندیکاها و اتحادیه‌ها) و در حزب خود حزب توده ایران متشکل شوید

با کمک به کارگاههای کوچک تراشکاری، از وابستگی صنعتی کشور به امپریالیسم بکاهید

و مدون تراش هستند، نمیتوانند این قطعات را به مقدار زیاد و مورد احتیاج کشور تولید کنند. در دوران رژیم گذشته، وزارت صنایع و معادن از کمک باین کارگاهها خودداری میکرد و حتی خرید دستگاههای مجهز تراش را مشروط بداشتن کارگاههای بزرگ در مناطق صنعتی کشور کرده بود. رژیم بدینوسیله عملاً از گسترش کارگاههای کوچک جلوگیری میکرد و این درست در جهت تشدید وابستگی صنایع کشور به امپریالیسم بود.

در شرایطی که کشور در محاصره اقتصادی کشورهای امپریالیستی است، جادارده دولت با دادن وام به صاحبان این کارگاهها و به طرف کردن موانع قانونی در راه خرید این دستگاهها، در جهت خودکفایی کشور بکوشند.

در تهران تراشکارهای کوچک و بزرگ بسیاری وجود دارند که ساختن قطعات مختلف اشتغال دارند و کارهای مختلفی از قبیل سر- تراش، میل لنگ تراش، قالب تراش و غیره را انجام می‌دهند. این کارگاهها در صورت داشتن دستگاههای مدرن و مجهز میتوانند بسیاری از نیازهای صنعتی کشور را برطرف کنند. اما باین اذیتندین کارگاه بزرگ، بقیه کارگاهها از داشتن چنین دستگاههایی محرومند.

بسیاری از صاحبان کارگاههای کوچک تراش- کاری، کاخچرا از نمایشگاههای مختلف در جهت خودکفایی صنایع کشور، دیدن کرده‌اند، معتقدند که بسیاری می‌توانند بسیاری از قطعات یدکی و بنامش گذاشته شده در این نمایشگاهها را به سازند، ولی از آنجا که فاقد دستگاههای مجهز

- ۱- افزایش سطح دستمزد،
- ۲- رسیدگی به وضع مالکیت کارخانه،
- ۳- ساختن حمام برای کارگران،
- ۴- سرویس رفت و آمد از حمل کارتا فیروز کوه،
- ۵- دریافت سود ویژه،
- تکته قابل توجه اینکه کارفرما حقوق قانونی عیدی و پاداش کارگران را به عنوان سود ویژه پرداخت میکند.

تشکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیکایی) ضرورت انقلاب ایران است

حزب کمونیست بریتانیای کبیر: حزب توده ایران سنن فخر آفرین حزب کمونیست ایران را ادامه میدهد و نقشی سترگ در مبارزه بخاطر دفاع از انقلاب ایران و گسترش دستاوردهای آن و علیه امپریالیسم ایالات متحده و ارتجاع داخلی بازی میکند.

حزب کمونیست افریقای جنوبی: حزب توده ایران همواره نقشی برجسته در پیکار برای پیشبرد انقلاب ایران بسود خلق ایفا کرده است

حزب کمونیست ژاپن: پیروزی شما را در پیکار در راه دفاع از استقلال ملی ایران و برای دموکراسی و پیشرفت اجتماعی آرزو مندیم

پیام شادباش کمیته مرکزی حزب کمونیست بریتانیای کبیر
به کمیته مرکزی حزب توده ایران

دلورانه علیه فئودالیسم و امپریالیسم می-دزمنند.
امروزه حزب توده ایران سنن فخر آفرین حزب کمونیست ایران را ادامه می-دهد و نقشی سترگ در مبارزه به خاطر دفاع از انقلاب ایران و گسترش دستاوردهای آن و علیه امپریالیسم ایالات متحده و ارتجاع داخلی بازی میکند که میگویند ساعت را عقب برگردانند.
حزب ما بار دیگر همبستگی خود را در پیکارتان علیه دسیسه‌های امپریالیستی و برای پیشبرد انقلاب ایران ابراز میدارد.
با درودهای برادرانه
گوردون مک‌لنن
دیرکل حزب کمونیست بریتانیای کبیر

درودهای گرم و برادرانه حزب کمونیست بریتانیای کبیر را بمناسبت شصتمین سالگرد بنیانگذاری حزب کمونیست ایران بپذیرید. تشکیل حزب کمونیست ایران برگی نو در تاریخ انقلاب ایران گشود و برای نخستین بار بر پایه تحلیل علمی جامعه ایران، چشم‌اندازی درخشان را در برابر مردم ایران پدیدار کرد.
نیروهای انقلابی ایران شصت سال است که علیه فحاشی عقید و جان‌فروشی‌های نروان،

پیام شادباش کمیته مرکزی حزب کمونیست آفریقای جنوبی
به کمیته مرکزی حزب توده ایران
رفتای ارجمند!

حزب کمونیست آفریقای جنوبی شصتمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست ایران راه شما شادباش میگوید.
پالهام آزاترناسیونالیسم پرولتری، مابشیشانی کامل خود را از پیکارتان علیه امپریالیسم ایالات متحده آمریکا و پیکار و پیکار خندانقلابی آن در داخل کشور ابراز میداریم.
حزب شما همواره نقشی برجسته در پیکار برای پیشبرد انقلاب ایران بسود خلق ایفا کرده است.

پیام شادباش کمیته مرکزی حزب کمونیست ژاپن
به کمیته مرکزی حزب توده ایران

بمناسبت شصتمین سالگرد بنیانگذاری حزب کمونیست ایران شادباش و همبستگی ما را به همه اعضای حزب توده ایران ابلاغ کنید. پیروزی شما در پیکار در راه دفاع از استقلال ملی ایران و برای دموکراسی و پیشرفت اجتماعی آرزو مندیم.

پاکسازی دستگاه دولتی ...

بقیه از صفحه ۱
اما باز هم لیرالها و در پناه آنها ضدانقلاب مانع پاکسازی شدند و وابستگان به زبیب سابق هم فرست را غنیمت شمردند، تا زیر نقاب اسلام پنهان شوند و انقلابیون واقعی را بنام «کمونیست» و «چپ» از ادارات اخراج کنند، که کردند و میکنند.
توده‌های میلیونی، خانواده شهدا و نهادهای انقلابی در برخورد خویش با این دستگاه طاقتور زده، هويت آن را افشاء کردند و همین «هویت ضدانقلابی» است که در سخنان امام چنین بازتاب می‌یابد: «مملکت ما بجز مملکت شاهنشاهی است»
امام سؤال میلیونها ایرانی را چنین اعلام میدارند: «چرا این اشخاصی که در این اداره مشغول فساد هستند، چرا این افرادی را که مشغول هستند جوانهای ما را تپاه کنند، در این ادارات تصفیه نمی‌کنند؟»
اکنون باید بیدار شد که به نای امام پاسخ گفت و آنچه‌آنکه هیئت پاکسازی و سالم‌سازی ادارات اسلام کرده است بمرت: «کلیه ادارات بدون استثناء بایستی از لوث وجود افراد سواکمی و عوامل رژیم فاسد گشته بطور انقلابی پاکسازی شوند» (پاسداند) (تی)

برای شهیدان حزب و جنبش

نامه مردم در نظر دارم که...
های تمام‌بازاری را که در دوران سلطنت تنگین و مغرور خاندان پهلوی در راه آرمانهای ملی و میهنی و انسانی خود شهادت رسیده‌اند، جمع آوری کند، از همه پیمان‌دوستان و آزادی‌خواهان تقاضا میشود که هر عکسی از این مبارزان شهید دارند، به دفتر نامه «مردم» مراجعه کنند.
با سپاس - نامه «مردم»

یکشنبه‌ها: نامه «مردم» بزبان کردی

هوسلان کرد مقيم تهران میتوانند نامه مردم بزبان کردی را، که روزهای یکشنبه منتشر میشود، از کیوسکهای مختلف تهران دریافت دارند.

حزب کمونیست اتریش:

حزب توده ایران، بر پایه سیاست اصولی خود، پیوسته مبارزه در راه منافع خلق را با پیکار در راه صلح و سوسیالیسم تلفیق بخشیده است

پیام شادباش کمیته مرکزی حزب کمونیست اتریش
به کمیته مرکزی حزب توده ایران
رفتای گرمی!

چهارشنبه‌ها: نامه «مردم» بزبان کردی

هوسلان کرد مقيم تهران میتوانند نامه مردم بزبان کردی را، که روزهای یکشنبه منتشر میشود، از کیوسکهای مختلف تهران دریافت دارند.

جهاد سازندگی ...

بقیه از صفحه ۵
صفتی ویژه مسائل روستائی استان مازندران نقل می‌کردند:
دین دردی دارم که میخواهم با شما بگویم. مسئله مهم اینست که اگر شما از انقلاب کنار بروید، انقلاب میبیرد. پارسال ما با ۷۵۰ میلیون تومان مخارج خودمان توانستیم کارهای انجام بدهیم و تازه سامان پیدا کرده بودیم... که متأسفانه بودجه ما قطع شد. برادرمان آقای مهندس سبحان گفتند که ما (جهاد سازندگی) نمیتوانیم در بررسی بودجه دخالت کنیم... اما ما میگوییم این بودجه باید در اختیار جهاد باشد. اینها با میگویند شما نباید تحت طرح استانداری قرار بگیرید... و ما میگوییم در ادارات استانداری قرتاس بازی است. نمی‌شود کنار کرد.
دو ماه و نیم از روند کارمان کاستند و تازه می‌گویند ما می-خواهیم بودجه بدهیم، آنهم باجه شرایط... برادر رئیس جهاد سازندگی گفتند که ما باید مبارزه با آنها کرد. باید تولید کرد... آنها با ما را اعلام کنید! بگذارید در اختیار کسانی که عرضه

چهارشنبه‌ها: نامه «مردم» بزبان کردی

هوسلان کرد مقيم تهران میتوانند نامه مردم بزبان کردی را، که روزهای یکشنبه منتشر میشود، از کیوسکهای مختلف تهران دریافت دارند.

چه کسانی از گرایش‌های سالم ...

بقیه از صفحه ۱
«رنجبران» و «اتحادیه کمونیست» خیزدند، از لیرالهای ملی‌نما تا ساراکچی‌های نقاب‌پوش و ارتجاعیون دست‌راستی، هر یک به نحوی از موضعی به تخریب و تخطئه این گرایش سالم و مثبت پرداختند.
دشمن برای اینکه درد و آفتوسن هر چه کاری افتد، به یاری آیدایش، از موضع ماوراء چه گرایش تازه را «پوپولیسم راست» و «سازشکاری» می‌خوانند و از موضع نیروهای مذهبی آنرا «فناپیشی» و «مسلحتی» قلمداد می‌کنند. طرفداران اخیر اجازه میدهند که روند حمایت از انقلاب از سوی نیروی که تاکنون به رهبری آن سوء ظن داشتند، به مثابه تیرتک و سانسور وانمود شود، که هدف آن نه تقویت خصلت ضد امپریالیستی انقلاب، بل تدارک کینگاه جدیدی علیه آنست. این شکر در که ناگفته بیداریت چه نیروها، در آن سیم و ذینفع‌اند، یکی از نویسندگان روزنامه کیهان، با تردستی، اما با طول و تفصیل بسیار، در یک مقاله نمونه‌وار عرضه کرده است. و متأسفانه صدای جمهوری اسلامی ایران نیز، یک‌روز پس از انتشار ایسن سفته، یعنی بعد از نظیر چیرزشتنه گذشته، تمامی آنرا با آبرو و با فرار از پخش کرد و نزدیک به یک ساعت از وقت رادیوی ظاهر ای طرف را، به پراکندن وسیع‌تر زهی فقر و پدیدینی بیمارگونه‌ای که سعی شده بود، به زور لباس مذهبی بپوشانند، اختصاص داد.
کافی است نگاه کنی گذرا به این تحلیل‌گونه پر ضد و نقیض ابداخته شده، تا نویسنده ماثوقیست یا ماثوقیسم‌دهای را - که احتمالاً با نقاب یک ریش پلکار اسلامی - در لایای سلطور و عبارات آن کز کرده است، شناسایی کرد و چه کسی است که نداند این روزها صدای ماثوقیسم، همان صدای آمریکاست، بویژه که مقاله یادشده تمام هستی صرف آن شده بود تا دشمن اصلی و جرار انقلاب، یعنی آمریکا را کنار بزند و شوروی و حزب توده ایران را، که گویا چون سلطوری بر سر انقلاب معلق‌اند، زیر بارانی از ناسزا و تمهت بجای آن بپاشند.
از قدیم گفته‌اند که دروغگو کم‌حافظه می‌شود. این همان دردی است که کار دست نویسنده کیهان میدهد و به او را باز می‌کند. نویسنده سخرتم، که در کسوت اسلامی حمایت از انقلاب وارد گرد شده، می‌نویسد:
«پیروزی انقلاب اسلامی در این است که یکی از بزرگترین دشمنان ضدانقلابی خود، یعنی چریکی‌های فدائی خاق را به‌زوال آورده و از خطه‌های تند و چیدروی، به سمت قبول برخی حقایق واداشته است»
خوب، با این صریح، نویسنده اگر واقعاً طرفدار انقلاب باشد، باید از آنچه خود آنرا پیروزی انقلاب می‌نویسد، به‌وجود آید، باید از اینکه انقلاب، بزعم او، چه‌روا دشمنان دیروزی را به سمت قبول برخی حقایق رانده است، شپار رضایت کند. باید هدف مقاله خود را طوری انتخاب و

روزنامه رنجبر:

«رهبری سازمان چریکی، که در جنگ آفریزی‌های کردستان، ترکمن صحرا و ازلی مستقیماً دخالت داشته، و صریحاً شعار ایران را سراسر کردستان میکند را مطرح میکرد... چنین عنوان می‌کنند: «ما تصمیم داریم که بیش از پیش برای استقرار صلح در کردستان و جلوگیری از گسترش دامنه جنگ در این منطقه تلاش کنیم»

روزنامه رنجبر:

«چریکی‌های فدائی... که دولت را وابسته به آمریکا معرفی می‌کردند و به امام رهبر کبیر انقلاب توهین روا می-داشتند... سرانجام بجای ره سپرد که از موضع جنگ آفریزی در کردستان به تقاضای صلح عادلانه از دولت و آقای رئیس جمهور منتفی گشت و تنها به این بسنده نکردند که بیان داشتند این دولت تا دیروز وابسته به امپریالیسم بوده و نیست»

روزنامه رنجبر:

«رهبری سازمان چریکی‌های فدائی... که روحانیت و حکومت را مرتجع و وابسته به امپریالیسم آمریکا معرفی می‌کردند... درباره ماهیت حکومت تبعیت از انقلاب اسلامی ایران می‌نویسند: حکومت کنونی همچنانکه بارها اعلام داشته‌ایم، حکومتی وابسته نبوده و نیست»

روزنامه رنجبر:

«این گرایش، که به علت برسر غل آمدن رهبری غاصب (فدائیان) است...»
شبهه خواندن این جملات و برداشته‌ها مفهوم بجای نیست. این یک کبیرداری کامل است. و از کجا معلوم که مقالات «رنجبر» معلوم‌الحال و مقاله روزنامه کیهان از یک‌قلم واحد تراویده باشند!

تجارب و کبیرداری‌های نویسنده «کیهان» از روی «رنجبر» منحصر به نمونه‌های ارائه‌شده نیست. اگر انطباق کامل و بی بربر کرد مشمون اساسی مقالات یادشده را ندیده بگیریم، دهها جمله و عبارت دیگر را می‌توان ذکر کرد که بی‌سرومی کم و کاست، در هر دو روزنامه تکرار شده‌اند. آیا این شبهه شباهت و انطباق بین مقاله یک روزنامه عمومی کثیرالانتشار، که خطامام و انقلاب را سرلوحه خود اعلام

با مقالات نظیر آن در روزنامه «رنجبر» بیاید...

نویسنده کیهان: سازمانی که در جنگ آفریزی‌های کردستان و ترکمن صحرا و ازلی مستقیماً دخالت داشته، و صریحاً شعار ایران را سراسر کردستان میکند را مطرح میکرد... چنین عنوان می‌کنند: «ما تصمیم داریم که بیش از پیش برای استقرار صلح در کردستان و جلوگیری از گسترش دامنه جنگ در این منطقه تلاش کنیم»

روزنامه رنجبر:

«رهبری سازمان چریکی، که در جنگ آفریزی‌های کردستان، ترکمن صحرا و ازلی مستقیماً دخالت داشت و حتی شعار ایران را سراسر کردستان می‌کنند را مطرح میکرد... چنین عنوان می‌کنند: «ما تصمیم داریم که بیش از پیش برای استقرار صلح در کردستان و جلوگیری از گسترش دامنه جنگ در این منطقه تلاش کنیم»

روزنامه رنجبر:

«چریکی‌های فدائی... که دولت را وابسته به آمریکا معرفی می‌کردند و به امام رهبر کبیر انقلاب توهین روا می-داشتند... سرانجام بجای ره سپرد که از موضع جنگ آفریزی در کردستان به تقاضای صلح عادلانه از دولت و آقای رئیس جمهور منتفی گشت و تنها به این بسنده نکردند که بیان داشتند این دولت تا دیروز وابسته به امپریالیسم بوده و نیست»

روزنامه رنجبر:

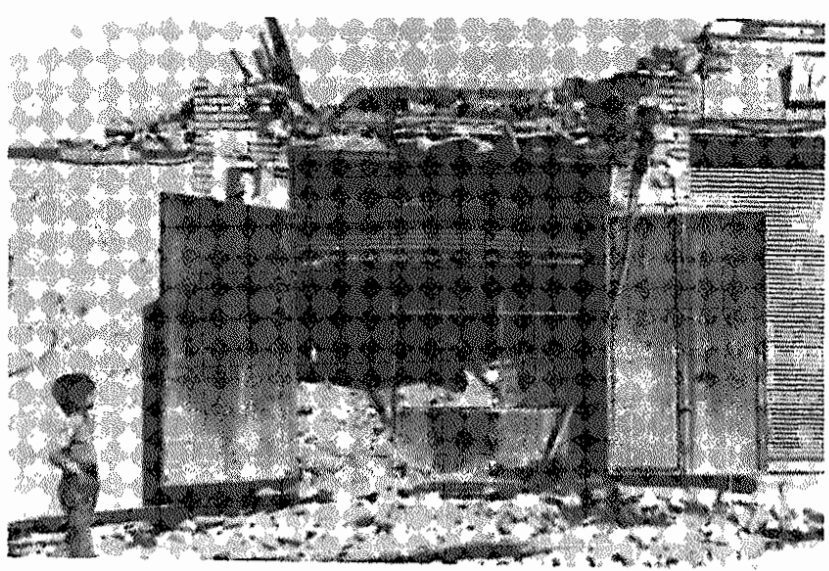
«رهبری سازمان چریکی‌های فدائی... که روحانیت و حکومت را مرتجع و وابسته به امپریالیسم آمریکا معرفی می‌کردند... درباره ماهیت حکومت تبعیت از انقلاب اسلامی ایران می‌نویسند: حکومت کنونی همچنانکه بارها اعلام داشته‌ایم، حکومتی وابسته نبوده و نیست»

روزنامه رنجبر:

«این گرایش، که به علت برسر غل آمدن رهبری غاصب (فدائیان) است...»
شبهه خواندن این جملات و برداشته‌ها مفهوم بجای نیست. این یک کبیرداری کامل است. و از کجا معلوم که مقالات «رنجبر» معلوم‌الحال و مقاله روزنامه کیهان از یک‌قلم واحد تراویده باشند!

تجارب و کبیرداری‌های نویسنده «کیهان» از روی «رنجبر» منحصر به نمونه‌های ارائه‌شده نیست. اگر انطباق کامل و بی بربر کرد مشمون اساسی مقالات یادشده را ندیده بگیریم، دهها جمله و عبارت دیگر را می‌توان ذکر کرد که بی‌سرومی کم و کاست، در هر دو روزنامه تکرار شده‌اند. آیا این شبهه شباهت و انطباق بین مقاله یک روزنامه عمومی کثیرالانتشار، که خطامام و انقلاب را سرلوحه خود اعلام

ضد انقلاب، کتابفروشی حزب توده ایران در زنجان را به آتش کشید



در ساعت دو و پانزده پنجشنبه (۵۹/۲/۵) گروهی از عوامل ضد انقلاب، پس از یک ساعت تلاش، با آتش سوزی وسیع، کتابفروشی حزب توده ایران، واقع در چند صد قدمی ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی زنجان، را با مواد آتش زاه تبدیل به خاکستر کردند. این عمل غیر انسانی که حدود ۷۰ هزار تومان خسارت مالی در برداشت، مورد تأسف و انزجار پیروان و همکاران حزب توده ایران در زنجان، با انتشار اعلامیه‌ای، از همشهریان زنجانی خواست خطی توطئه‌ها و دسیسه‌های امپریالیسم پس‌گردی امپریالیسم آمریکا و ایسادی داخلی آنرا فراموش نکنند و در مقابل اقدامات ضد انقلابی بی‌تفاوت نباشند. سازمان حزب توده ایران، همچنین طی شکوایه‌ای از مقامات مسئول خواستار حفاظت اماکن سازمان‌های سیاسی و جلوگیری از اقدامات ضد انقلابی عوامل امپریالیسم آمریکا که به شدت گستاخ شده‌اند، گردید. در قسمتی از این اعلامیه، چنین می‌خوانیم:

عوامل ضد انقلاب به دفتر حزب توده ایران در شیراز شبیخون زدند!

مدهای از عوامل ضد انقلاب روز هفت تیرماه به دفتر سازمان ایالتی حزب توده ایران در شیراز حمله کردند.

این افراد که مرکب از ۴ نفر و به چاقو و دشنه مسلح بودند با استفاده از تاریکی هوا و غلغلی خیابان، در ساعت ۱۰ و ۱۵ دقیقه بعد از ظهر به دفتر سازمان ایالتی حزب توده ایران در فارس، که در خیابان ۱۶ متری برق شیراز است، شبیخون زدند. این عوامل ضد انقلاب پس از شکستن درها و بسته‌های دفتر حزب و پاره کردن پرده‌ها، کتاب‌ها و سایر اوراق، میلی پولی را که در صندوق کمک به خانه حزب گرد آمده بود، نیز به سرعت بردند. این افراد قصد به آتش کشیدن دفتر حزب در شیراز را داشتند که با آمدن مأمورین انتظامی از این کار، صرف نظر کردند.

در حمله این افراد دو نفر از رفقای محافظ دفتر حزب نیز به وسیله چاقو و چاقق مجروح شدند. با اینوصاف این واقعه موفق به دستگیری سه تن از مهاجمین گردیدند، که آن‌ها را به مأمورین انتظامی تحویل دادند. در مرضی ۱۵ روز گذشته این دومین بار است که به دفتر حزب توده ایران در شیراز حمله می‌شود. ماضی اعتراض شدید به این جفاور و تهاجم، از کوبان مأمورین انتظامی در مقابله پالین عوامل ضد انقلابی متأسف و متعجب و از همه نهادهای انقلابی، بویژه سپاه پاسداران می‌خواهیم که مسیبتین این حمله را شناسایی و دستگیر کنند و به مجازات برسانند.

عناصر ضد انقلابی شاهانه منول و اورچند صد قدمی مقر ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قتل‌های کتابفروشی حزب توده ایران را در زنجان آرد می‌کنند و پس از یک ساعت تلاش، خانه کتاب را به آتش میکشند. این عناصر به شدت شناخته شده و عاملان هر چه در وجود آوردندگان جومنتیج سیاسی در هر لباسی که باشند عملاً در لحظات حساس کنونی بصورت مزدوران دشمن خلق - امپریالیسم آمریکا عمل میکنند. این عناصر و اربابان نشان باید بدانند، مردم انقلابی ایران هرگز دسیسه‌های، پرتوهای مخفی و توطئه‌های گریزهای آنها را خنثی خواهند کرد، باید بدانند چنین حرکات ضد انقلابی، در موشگ‌گیری صحیح، اصولیت و پشتیبانی حزب توده ایران از خط ضد امپریالیستی و عمیقاً خلقی امام خمینی تأییدی نخواهد

رویدادهای ایران

بیانیه حزب توده ایران - سازمان ایالتی خوزستان بمناسبت انفجار بمب در اهواز توسط عوامل امپریالیسم آمریکا و رژیم بعثی عراق

هموطن عزیز بار دیگر خون عده‌ای از هموطنان ما بدست عوامل امپریالیسم آمریکا و رژیم بعثی عراق و بازماندگان ساواک و شاه‌مخارج، بر زمین ریخت. بار دیگر ضد انقلاب به جنایت خونین دیگری علیه انقلاب مردم مینماست. همه مردم میهن ما خیر انفعال یک بمب‌پر قدرت را در خیابان خمینی اهواز و در یک نقطه پرتو زدند شهر، که ۱۱ کشته و ۵۰ مجروح جای گذاشت. باخسوف و نفرت شینند. این نخستین جنایت امپریالیسم آمریکا رژیم بعثی عراق و ضد انقلاب داخلی نیست و مسلماً آخرین آن‌ها نیز نخواهد بود.

حزب توده ایران - سازمان ایالتی خوزستان ضمن ابراز نفرت و خشم فراوان نسبت به این جنایت وحشیانه ضد انقلاب، هم‌مدردی عمیق همه اعضای حزب را با خانواده‌های مصیبت‌زده شهدا اعلام دارد و این مصیبت را به مردم شرافتمند اهواز و تمامی مردم انقلابی ایران خصوصاً به بازماندگان شهدا تسلیت می‌گوید.

با توجه به حساسیتی که خوزستان دارد عوامل امپریالیسم و دشمنان شناخته‌شده نهضت انقلابی ایران کوشیده‌اند و میکشند که آرامش منطقه را برهم زنند، به صنایع ملی نفت ایران آسیب برسانند و محیط متشنجی بوجود آورند که آماده پذیرش ضد انقلاب باشد، و از آنجا که توده مردم خوزستان از هر بوقارسی دست‌برده به سینه ضد انقلابیون گذاشته‌اند، آنان جز اقدامات تخریبی جنایت‌کارانه و آدم‌کشی پنهانی قادر به انجام هیچ کار دیگری نیستند.

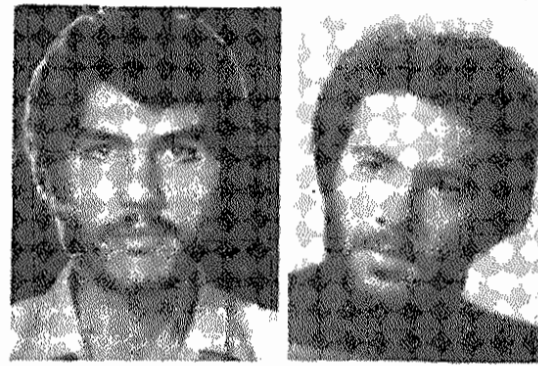
برخی از بلندگوهای ضد انقلاب میکشند این جنایت‌ها را بنوعی با مسائل انقلاب ایران یادشوارهای پس از انقلاب، با مسائل ملی و نظریات مربوط کنند. اما این آدم‌کشی‌ها و جنایت‌ها هیچ رابطه‌ای با اینگونه مسائل ندارد و عملی است بطور کامل جدا از توده مردم و در ارتباط با سازمان‌های اطلاعاتی امپریالیسم و رژیم بعثی عراق. ما در این روزهای حساس تاریخ میهنمان بار دیگر توجه کلیه مقامهای مسئول جمهوری اسلامی ایران و همه نیروهای ضد امپریالیست و انقلابی راستین و بویژه توجه طبقه تهرمان‌کارگر و دهقانان خوزستان را به اهمیت و ضرورت حیاتی حراست از انقلاب و مقابله جدی با همه توطئه‌ها و دسیسه‌های ضد انقلاب و تکیه بر خط امام جلب می‌کنیم.

در شرایطی که دشمنان انقلاب ایران سرگردی امپریالیسم آمریکا برای شکست انقلاب ایران متحد شده‌اند و وحشیانه به چهره آن چنگ می‌اندازند بدون مبارزه همه‌جانبه و متدین راه قلع و قمع کامل ضد انقلاب و در جهت حفظ جمهوری اسلامی و دستاوردهای انقلاب و برای توسعه اجتماعی و اقتصادی کشور و بدون تجویز همه‌تواری ضد امپریالیست در برابر امپریالیسم و صهیونیسم، سرگردی امپریالیسم آمریکا، هرگز نمی‌توان به حفظ و تکامل دستاوردهای انقلاب امید بست. حق با مردم زحمتکش ما است و ما مطمئنیم داریم که هیچ نیروی اهریمنی امپریالیستی نخواهد توانست مردم بی‌باخته ما را شکست دهد.

عوامل امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم، رژیم بعثی عراق و بازماندگان شاه مخلوع، سیا و موساد و ساواک برای همیشه با نیروی متحد خلقهای ما قلع و قمع خواهند گردید. برقرار باد اتحاد نیروهای ضد امپریالیست در جبهه متحد خلق برهبری امام خمینی! مرگ بر امپریالیسم آمریکا! دشمن اصلی خلقهای ایران و جهان! مرگ بر رژیم بعثی عراق! حزب توده ایران - سازمان ایالتی خوزستان اراداً

گذاشت، و همچنانکه ۲۸ سال دسیسه، توطئه، زندان، کشتار و اعدام یساران، حزب توده ایران را از مبارزه با دشمنان ایران باز نداشته است.

همشهریان قهرمانان! وظیفه ملی و انقلابی ما حکم میکند که خطر امپریالیسم، پس‌گردی امپریالیسم آمریکا را یک لحظه فراموش نکنیم، بی‌تفاوتی نسبت به درک توطئه‌های رنکارانکه امپریالیسم و عمال داخلی در بحرانی‌ترین لحظات تاریخ میهنمان عواقب زیانباری برای کشور عزیز ما در بر خواهد داشت. کمیته شهری زنجان - فرقه دموکرات آذربایجان، سازمان حزب توده ایران در آذربایجان - ۵۹/۲/۵



محمّد چپرداری و محرمعلی سلطانی یگانه

دور فیک جوان توده‌ای هنگام انجام وظیفه حزبی، جان خود را از دست دادند

دور فیک جوان توده‌ای، هنگام انجام وظیفه حزبی، جان خود را از دست دادند.

روز اول خرداد هنگامیکه رفتاری توده‌ای محرمعلی سلطانی یگانه و مجید چپرداری، سیمه‌های نامه مردم، را مطابق معمول هر روزه به کرج می‌بردند، در یک جاده دلفران را رفتند جان خویش را از دست دادند.

رفیق محرمعلی سلطانی یگانه، که در غنوان جوانی دیده بر جهان فروست، در سال ۱۳۳۶ در روزگار غار، یکی از جنوبی‌ترین محله‌های تهران متولد شد. او که در کودکی پدر خود را از دست داد، از همان آغاز با رنج و مشقت آشنا گردید و کینه و نفرت نسبت به رژیم سرسرمبرده آریامبری دوی رشد کرد.

رفیق محرمعلی سلطانی یگانه در کنار سایر زحمتکشان در انقلاب بزرگ کشورمان در روزهای ۲۲ و ۲۱ بهمن ماه، در اشغال یادگانها، شرکت فعال و شجاعانه داشت.

محرمعلی که از دل توده‌ها برخاسته بود، پس از انقلاب به حزب توده‌ها، حزب توده ایران پیوست و از آن پس مبارزات خود را در سنگر حزب توده ایران ادامه داد.

رفیق مجید چپرداری نیز، که هنگام مرگ تنها ۲۳ سال داشت، از جمله جوانان پرشوری بود که دمی از یاد زحمتکشان کشور خود و مشمی که بر آنها می‌رفت، غافل نبود.

مجید در افضای لایحیت خدمت‌رسانی رژیم شاه مخلوع سری پرشور داشت و از این جهت، در میان دوستان خود مشهور بود.

پس از پیروزی انقلاب، مجید نیز همچون بسیاری از جوانان انقلابی این سرزمین به حزب توده ایران پیوست و راه خود را با حزب طراز نوین طبقه کارگر گره زد.

در گذشت دور فیک ارزشمند توده‌ای قلب همه هم‌زمان آنها را از غمی سرشار آکنده است. دو جوان خجسته، که از اعماق توده‌ها برخاستند و در راه توده‌ها نثار شدند، برای همیشه در صفوف طبقه کارگر ایران گرامی و زنده خواهند بود.

ما ضمن گفتن تسلیت به بازماندگان و دوستان این دور فیک، یادشان را گرامی می‌داریم.

«پوشش و پاسخ»
جست «پوشش و پاسخ» روزهای در دبیرخانه کمیته مرکزی حزب پنجشنبه از ساعت ۱ تا ۶ بعد از ظهر توده ایران تشکیل میشود.

شوخی نیست...!

تربچه‌بازی در ایتالیا!

تربچه‌های پوکر و هم‌چنان، از جمله در ایتالیا نیز اجرا می‌کنند. وزارت کشور ایتالیا در تدارک طرحی است بنام قانون ۲۹۹۴ این قانون عنوان حمایت از نظم عمومی، را بزرگ میکند و ملی سازمانهای دانشجویی را سازمان‌های «مدرسی» و دانشجویان را عناصر مخل قلمه معرفی میکند.

سازمانهای دموکراتیک و دانشجویان خارجی در ایتالیا، از آنجمله سازمانهای دانشجویی فلسطینی، یونانی، عراقی، اردنی، سوری و غیره این طرح را بعنوان یک خطر جدی برای زندگی‌های دانشجویان ارزیابی کرده‌اند.

دانشجویان خارجی در ایتالیا مدعی است که در صدد ایجاد سندیکی صنعتی سراسری و تدوین اساسنامه برای خود هستند. تربچه‌های پوکر که با هزاران نفر ترک خود را بدرون میثت موسسین این سندیکا جازده‌اند و با تمام نیرو میکوشند تا با قالب کردن طرحهای چپ‌تنه‌گر، پایه‌های نظیر اعلام، حکومت کلیه سازمانهای اجتماعی کشور، بعنوان سازمانهای وابسته به امپریالیسم، پیش نهاد حذف مقررات نام‌نویسی در دانشگاههای کشور و... درست آن هندی را تعقیب میکنند که برای تصویب قانون ۲۹۹۴ استناد به آن لازم است!

خوشحالی کارتر

رژیم السالوادور همچنان به قتل‌عام مردم بهیودا مشغول است (کپهان، ۲ تیر)

کارتر گفت، از اینکه میبیند در بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین به مسئله حقوق بشر و ایجاد دموکراسی توجه بیشتری میشود، بسیار خوشحال است. ولی تأکید کرد که کوبا را جزو این کشورها نمیداند.

- البته السالوادور را میداند!

حقانیت پاکستان! حقانیت آمریکا!

قلی‌زاده، «مساله حقانیت از لحاظ کسی که عقاید و نظر خاصی نسبت به پاکستان دارد، مطرح نیست. مهم اینست که در پاکستان امروز ۷۵ هزار آواره افغانستان وجود دارد و صدی‌نود کشتهایی که به انقلابیون افغانستان میرسد، از طریق پاکستان است و اگر حالاً قبول کنیم که پاکستان حقانیتی ندارد، تکلیف ما درین افغانستان چیست؟»

پیش‌بینی ساواکی

در شماره ۱۸۱ (نامه مردم)، که روز ۱۲ اسفند ۱۳۵۸ منتشر شد، در صفحه ۷ مطلبی داشتیم تحت عنوان: «سه سال حبس برای رئیس ساواک»، که در آن آمده بود:

«رئیس اذکارهای ساواک رشت، ازلی، آستارا، طبیات، پارک‌خرم سابق و غرب تهران به سه سال حبس محکوم گردیده است.»

در همان خبر آمده بود: «الیه شریفی از این حبس‌م‌تکرانی ندارد و بنا به گفته خودش منتظر است به مناسباتی به او «عفو» بخورد و از زندان خارج شود.»

حالا خبر میرسد که انتظار ایشان زیاد طول نکشیده و بعد از ۴ ماه، بدون اینکه اسم مبارکشان هیچ‌جا اعلام شود، «عفو» گرفته‌اند و در خانه قسم‌مانند خود در فرج‌زاد استراحت میکنند!

ظاهراً ساواکی بسا خوش (این ساواکی بر عکس ساواکی دیگر، مرتضی بهادری، خرفت نبوده!) چیزهایی میداند، و بخود که پیش‌بینی کرده!

ضد انقلابیون کمیاب!

هادی خرسندی را میشناسید؟
- ایشان در انگلستان سردبیر یک نشریه ضد انقلابی هستند. زهره یحیوی را میشناسید؟
- ایشان در صدد آمریکا علیه انقلاب ایران گویند و هستند - برای چه یاد این دو افشاده‌ای مگر ضد انقلابی‌هاست؟
- البته که نیست، ولی ضد انقلابی‌ها در کشور نباشند و نامش هنوز جز کل‌مندان وزارت ارشاد ملی باشد، مثل دو نفر بالا، کم است.

در مطبوعات کشور

با به‌خطر انداختن زندگی ساکنین زمین آمریکا می‌خواهد زباله‌های اتمی را در فضا دفن کند
باین کار، ایالات متحده چهره‌ی دیگری از امپریالیسم علمی خود را به نمایش می‌گذارد

● زباله‌های اتمی در قطعه‌ای میان زهره و زمین، در مداری به دور خورشید دفن خواهند شد.
● اگر سینه‌های فضایی حامل زباله‌های اتمی با حادتهای روبه‌رو شود، واقعه‌ی وحشتناکی از جنس اتمی رخ خواهد داد.
● هنوز هیچ راه قانونی برای جلوگیری از این اقدام ضد بشر آمریکا، پیش‌بینی نشده است.
(بامداد، ۲ تیر)

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود